

# رویکردهای مذهبی در تاریخ معاصر ایران به زن

مهدی مهریزی

زنانه از قبیل انجمن آزادی زنان (۱۹۰۷م)، اتحادیه غیبی نسوان (۱۹۰۷م)، انجمن مخدرات وطن (۱۹۱۰م) و ...<sup>۵</sup> و نیز نشریات اختصاصی مسائل زنان مانند دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان، عالم نسوان، جهان زنان، جهان نسوان وطن خواه، مجله نسوان، مجله سعادت نسوان شرق و دختران ایران<sup>۶</sup> در دفاع از حق آموزش و تعلیم زنان و تأسیس مدارس دخترانه و نیز مسأله حق رأی زنان تأثیر چشمگیری داشت.<sup>۷</sup> ناگفته نماند که پیش از مشروطه نیز کسانی به این مسأله دامن زدند که می توان از این نمونه ها یاد کرد. قره العین (۱۸۵۲ - ۱۸۱۴م) در سال ۱۸۴۸م/ ۱۲۶۵ق در کنفرانس بدشت شاهرود کشف حجاب کرد.<sup>۸</sup>

۱. خاطرات تاج السلطنه، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۱۰۱.

۵. مجله نیمه دیگر، ص ۱۴-۱۵ (ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۱).

۶. مجله کلک، زن در جامعه قاجار، ص ۴۵-۴۶ (ش ۵۵-۵۶).

۷. ر. ک: مجله نیمه دیگر، مقاله تأملی در تفکر اجتماعی و سیاسی زنان در

انقلاب مشروطه، ص ۲۸۷ (ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۱)؛ انجمن سری

زنان در عصر مشروطه، ص ۱۷ و ۵۳.

۸. رویارویی زن و مرد در عصر قاجار، ص ۱۶.

یکم. مسأله زن در ایران به دوران مشروطه (۱۲۸۴-۱۲۸۹ش/ ۱۹۰۵م-۱۹۰۹م) برمی گردد. آگاهی از اندیشه های دنیای جدید و تحولات و جنبش های زنان نقش اصلی را در این زمینه داشت. این ارتباط و آگاهی سبب نقد و رد برخی باورهای مذهبی و سنتی در میان قشرهای جدید جامعه گردید. در مثل تاج السلطنه (تولد ۱۳۰۱ق) دختر ناصرالدین شاه، خاطرات خود را با عنوان خاطرات تاج السلطنه در سال ۱۳۴۳ق/ ۱۳۰۳ش به قلم آورد و در آن مسائل جدیدی در حوزه امور زنان مطرح کرد، می نویسد:

اگر زن ها در این مملکت مانند سایر ممالک آزاد بودند و حقوق خود را مقابل داشته و می توانستند در امور مملکت و سیاسی داخل بشوند و ترقی کنند یقیناً من راه ترقی خود را در وزیر شدن و پایمال کردن حقوق مردم و خوردن مال مسلمانان و فروختن وطن عزیز خود نمی دانستم... افسوس که زن های ایرانی از نوع انسان مجزا شده و جزو بهایم و وحوش هستند و صبح تا شام در یک محبس ناامیدانه زندگانی می کنند و دچار یک فشارهای سخت و بدبختی های ناگواری عمر می گذرانند.<sup>۱</sup>

در جای دیگر می نویسد: «زندگانی زن های ایران از دو چیز ترکیب شده: یکی سیاه و دیگری سفید. در موقع بیرون آمدن و گردش کردن هیاکل موحش سیاه عزا و در موقع مرگ، کفن های سفید. و من که یکی از همین زن های بدبخت هستم آن کفن سفید را ترجیح به آن هیکل موحش عزا داده، و همیشه پوشش آن ملبوس را انکار دارم».<sup>۲</sup>

و نیز تکلیف زن های ایرانی را چنین شرح می دهد: «استرداد حقوق خود مانند زن های اروپایی، تربیت اطفال، کمک کردن به مردها مانند زن های اروپایی، پاکی و عفت، وطن دوستی، خدمت به نوع، طرد کردن تبلی و خانه نشینی با برداشتن نقاب».<sup>۳</sup>

و نیز می نویسد: «خرابی مملکت و بد اخلاقی و بی عصمتی و عدم پیشرفت تمام کارها حجاب زن است».<sup>۴</sup> به جز کارهای نظری در این دوره شکل گیری انجمن های

بی بی خاتون استرآبادی کتاب معایب الرجال را در نقد و رد تأدیب النسوان از نویسنده‌ای ناشناس و تحریر شده در سال ۱۳۰۴ ق یا ۱۳۰۹ ق،<sup>۹</sup> در سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م به رشته تحریر در آورد.<sup>۱۰</sup> وی از برتری مردان بر زنان، تفسیری نسبی دارد:

هر چند [به] مرتبه، مردان به مقتضای ادله و برهان و آیات قرآن از زنان برتری و بالاتری دارند. قال الله تبارک و تعالی الرَّجَالُ قَوْمٌ عَلَى النِّسَاءِ إِلَى آخِرِ آيَةٍ، ولی نه هر مردی از هر زنی فزون تر است و نه هر زنی از هر مردی فروتر. و مریم و زهرا (س)، آسیه و خدیجه کبری از زنانند، فرعون و هامان، شمر و سنان از مردانند.<sup>۱۱</sup>

در مورد مکر زنان می گوید: «اگر چه مردان به دلیل آیه قرآن که خداوند فرموده **إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ**<sup>۱۲</sup> [مکر شما بزرگ است] مکر را تماماً از زنان می دانند، اما به دلیل و برهان معلوم می شود که مکر زنان هم از مردان است. اگر مکاری بدانند از ایشان آموخته اند... و خداوند تبارک و تعالی در قرآن نیز از مکر مردان فرموده: **وَإِنَّ كَانِ مَكْرَهُمْ لَنَزُولٍ مِنْهُ الْجِبَالُ**<sup>۱۳</sup>؛ هر چند از مکر آنان کوه ها از جای کنده شود».<sup>۱۴</sup>

میرزا فتحعلی آخوند زاده (۱۸۷۷ - ۱۸۱۲ م) نمایشنامه نویس آذربایجانی تعدد زوجات را محکوم کرد و از لزوم تحصیل زنان سخن گفت. وی در نمایشنامه وزیر خان لنکران، تعدد زوجات و زندگی زنان در اندرونی را مورد نقد قرار می دهد و در نمایشنامه وکلای مرافعه، مبارزه زنان را برای احقاق حقوق خویش مطرح می سازد.

وی همچنین در کتاب اثر لری و ملحقات کمال الدوله از حقوق برابر زن و مرد، تحصیل زنان و حقوق اجتماعی آنان سخن گفته است.<sup>۱۵</sup>

میرزا آقاخان کرمانی (۱۸۹۶ - ۱۸۵۴ یا ۱۸۵۲ م) اصلاح برخی از رسوم اجتماعی را که زنان را محصور می ساخت خواستار شد، وی در برخی نوشته هایش می گوید:

حجاب و توارى زنان و عدم مخالطه ایشان با مردان و اسقاط آنان از حقوق بشریت به طوری که آنان را از اعداد بشر نمی شمردند موجب هزار گونه فساد در عالم انسانیت شده... عالم انسانیت، به سرحد کمال نخواهد رسید مگر این که زنان در جمیع امور و حقوق با مردان مشترک و برابر باشند.<sup>۱۶</sup>

اعتصام الملک آشتیانی (م ۱۳۱۶ ش) سردبیر مجله چهار در تبریز و پدر پروین اعتصامی، ایرانیان را با آثار برجسته نویسندگان اروپایی و عربی آشنا ساخت؛ یکی از این آثار کتاب تحریر المرأة نوشته قاسم امین مصری بود که تحت عنوان

تزییت نسوان در سال ۱۳۱۸ ق/ ۱۹۰۰ م به فارسی ترجمه و منتشر شد.<sup>۱۷</sup>

به جز اینها کسان دیگری در این دوره چون شیخ احمد روحی (م ۱۳۱۴ ق) و ملک المتکلمین (۱۲۷۷ - ۱۳۲۶ ق) و میرزا جهانگیر خان شیرازی سردبیر صور اسرافیل نیز از حقوق و آزادی های زنان دفاع کرده و به دنبال حضور اجتماعی زنان بوده اند.

با این همه طرح مسأله زن به صورت جدی به دوره مشروطه بر می گردد و مهمترین جلوه آن چالش با باورها و دیدگاه مذهبی و سنتی است.

دوم. موضعی که طیف های مذهبی و دینی درباره این مسأله در این یکصد سال از خود نشان داده اند، موضوع این نوشتار است. در این نوشتار سعی می شود گزارشی از آرا و منابع و منهج و تحولاتی که در میان این طیف گسترده اجتماعی شکل گرفته از لوازم این بحث و بررسی خواهد بود، البته تلاش گردیده توصیفی بی طرفانه از این مسأله ارائه گردد.

سوم. پیش از این، در دو نوشته (تا آن جا که نویسنده بدان دست یافته) به گزارش رویکردها درباره زن در تاریخ ایران توجه شده است:

۹. همان، ص ۱.
۱۰. رویارویی زن و مرد در عصر قاجار، ص ۸؛ معایب الرجال در پاسخ به تأدیب الرجال، ص ۳.
۱۱. معایب الرجال، ص ۵۴.
۱۲. یوسف (۱۲) آیه ۲۸.
۱۳. ابراهیم (۱۴) آیه ۴۶.
۱۴. معایب الرجال، ص ۸۴-۸۵.
۱۵. مجله نیمه دیگر، مقاله میرزا فتحعلی آخوندزاده و مسأله زنان، ص ۲۹-۳۳ (ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۱).
۱۶. هفت بهشت، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ نیمه دیگر، ص ۷۹ (ش ۱۴، بهار ۱۳۷۰).
۱۷. فهرست کتاب های چاپی فارسی، ج ۱، ص ۱۲۷۱ (سنگی، جیبی، ۸۲ ص)؛ رویارویی زن و مرد در عصر قاجار، ص ۱۶، به نقل از از صبا قانینما، ج ۲، ص ۱۱۳. یادآوری می شود ترجمه دیگری نیز از کتاب های قاسم امین به دست سید احمد مهذب (م ۱۳۳۶ ش) به سفارش وزارت فرهنگ رضاخانی در سال های بعد تحت عنوان زن و آزادی و زن امروز به انجام رسیده و در ۱۳۲۱ ش به صورت سری در ۱۹ ص و در ۱۳۱۶ در ۱۸۹ ص به چاپ رسیده است (فهرست کتاب های چاپی فارسی، ج ۶، ص ۲۷۸۲؛ رسائل حجابیه، ج ۱، ص ۴۳-۴۴).

خالی است و ضمناً نیز در این نوشتار بدان اشاره شده است، آن جا که ویژگی های طیف دینی اصول گرا را می شمارد، پنجمین خصلتش را پرهیز از تجددگرایی و تحجرگرایی می داند. پس معلوم می شود برخی دین داران به زن نگاه تجدد مآبانه دارند که بدان در طیف تجدید نظر طلب پرداخته است، و لکن طیف تحجرگرا را معرفی نکرده است با این که وجود این جریان و دیدگاه های مربوط بدان در جامعه ایرانی جای انکار ندارد و همین که نویسنده طیف اصول گرا را راهی میانه تجددگرایی و تحجرگرایی می داند دلالت بر این نکته دارد.

- در این نوشتار هدف نویسنده تنها گزارش جریان ها نیست، بلکه نقد و بررسی و معرفی جریان مطلوب نیز مورد نظر بوده است. دومین نوشته ای که به این مسأله پرداخته کتاب الگوی جامع شخصیت زن مسلمان نوشته آقای محمد تقی سبحانی است. ۲۰ در این کتاب تنها رویکردهای دین داران گزارش شده است و به جریان های غیر دینی یا ضد دینی نپرداخته است، در این اثر دیدگاه های دینی را به سه رویکرد تقسیم می کنند:

#### ۱. رویکرد سنت گرا

و آن را با این مشخصه ها معرفی می کند:

الف) اصول گرایی؛

ب) حقوق محوری و تکلیف محوری؛

پ) اجتهاد گرایی و روشمندی در فهم دین؛

ت) خلوص گرایی و التقاط ستیزی؛

ث) گذشته گرایی.

#### ۲. رویکرد تجددگرا

برای این رویکرد نیز پنج مشخصه بدین شرح، معرفی می کند:

الف) نگرش انسان مدارانه؛

ب) علم گرایی و تکیه بر خرد ابزاری؛

پ) تاریخت و نسبیت در فهم دین؛

ت) آینده گرایی؛

ث) توسعه گرایی.

#### ۳. رویکرد توسعه گرایی

در معرفی این رویکرد نیز این مشخصه ها به چشم می خورد:

نوشته اول کتابی است با عنوان جریان شناسی دفاع از حقوق زنان نوشته آقای ابراهیم شفیعی سروستانی. ۱۸ در این اثر در بخش دوم که عنوان جریان شناسی دفاع از حقوق زنان را به خود اختصاص داده از سه جریان یاد می کند:

#### ۱. جریان سیاسی دفاع از حقوق زنان

با این ویژگی ها:

الف) ضدیت با اسلام و ارزش های اسلامی؛

ب) مخالفت با نظام جمهوری اسلامی؛

پ) بی توجهی به ارزش های اخلاقی؛

ث) تضعیف نهاد خانواده.

#### ۲. جریان غیر دینی (سکولار) دفاع از حقوق زنان

این جریان را با این ویژگی ها معرفی کرده است:

الف) استفاده ابزاری از دین؛

ب) ارائه نکردن طرح و الگویی مشخص و عملی؛

پ) پذیرش منفعلانه حقوق غربی؛

ت) دین زدایی از حرکت اصلاحی زنان.

#### ۳. جریان دینی دفاع از حقوق زنان

این جریان را در دو طیف معرفی می کند:

الف) طیف تجدید نظر طلب، که برایش دو ویژگی بر می شمارد:

- ناآگاهی یا تجاهل به منابع اجتهاد؛

- غفلت از منابع اجتهاد.

ب) طیف اصول گرا و این ویژگی ها را معرفی می کند:

- توجه به تفاوت های طبیعی زن و مرد؛

- نفی تقابل و تضاد زن و مرد؛

- توجه به خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه؛

- حفظ استقلال و پرهیز از انفعال؛

- پرهیز از تجدد مآبی و تحجرگرایی. ۱۹

درباره این نوشته و تقسیم بندی هایش توجه به چند نکته مفید

است:

- دایره زمانی که در این تقسیم بندی ملحوظ شده، گزارش جریان های پس از انقلاب اسلامی است.

- در گزارش جریان ها نیز تنها به دیدگاه های دینی و جریان دینی منحصر نیست، بلکه سایر طیف ها را نیز در بر می گیرد.

- در گزارش جریان دینی به نظر می رسد جای یک جریان

۱۸ این کتاب با این مشخصات به چاپ رسیده است: ابراهیم شفیعی سروستانی، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان، مؤسسه فرهنگ طه، قم، ۱۳۷۹.

۱۹. جریان شناسی دفاع از حقوق زنان، ص ۵۹-۱۴۳.

۲۰. این کتاب با این مشخصه ها به چاپ رسیده است: محمد تقی سبحانی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خوارن، قم، ۱۳۸۲.

الف) اصول گرایی در حوزه فهم، توسعه گرایی در حوزه تحقق دین؟

ب) نگرش نظام مند در مقابل تکلیف گرایی؟  
 پ) تکامل روش اجتهاد و تجدید نظر در روش علوم؟  
 ت) ضرورت تدوین الگوی جامع شخصیت زن مسلمان؟  
 ث) پی ریزی تمدن نوین اسلامی.<sup>۲۱</sup>  
 درباره تحلیل های این نوشته نیز توجه به چند نکته مفید است:  
 - دایره تعریف و گزارش به دوران انقلاب اسلامی ایران مربوط است.  
 - هدف نویسنده نقد و بررسی رویکردها و ارائه رویکرد مطلوب است.

ب) رویکرد مطلوب در حقیقت تلفیقی از ویژگی های مثبت رویکرد سنت گرا و تجدیدگرا می باشد.  
**چهارم.** با توجه به مطالب پیش گفته این مقاله می گویند دیدگاه ها و آرای دین داران را در مسأله زن در ایران معاصر یعنی یکصد سال اخیر باز گو کند، در این گزارش چند نکته را لازم به یادآوری می داند:  
 الف) در معرفی رویکردها، تفاوت های کلی و اساسی، مبنای تقسیم بندی قرار گرفته، و گرنه در درون هر یک از رویکردهای معرفی شده می توان تفاوت آرا و دیدگاه ها را نشان داد.  
 ب) به نظر نگارنده و با توجه به مطلب بند نخست، رویکردهای دینی را در سه دسته می توان دسته بندی کرد:  
 - رویکرد سنتی (از دوره مشروطه)؛  
 - رویکرد کلامی-اجتماعی (از دهه چهل)؛  
 - رویکرد حقوقی (از دهه هشتاد).

پ) رویکردهای سه گانه فوق از نظر شکل گیری در طول زمانی یکدیگر قرار دارند، ولی این به معنای نسخ هر یک و جایگزینی دیگری نیست، بلکه به معنای رویکرد غالب در هر دوره است و گرنه در هر دوره رویکردهای قبلی نیز با حضور کمتر و در اقلیت وجود دارد؛ از این رو در زمان حاضر می توان هر سه رویکرد را نشان داد گرچه غلبه با یکی از آنهاست.  
 ت) در بررسی هر یک از سه رویکرد بر پایه اهم منابع مکتوب، سعی می شود دیدگاه آنان در حوزه انسان شناختی، حقوق و تکالیف، خانواده و مشارکت اجتماعی ارائه گردد و در آخر تحلیلی به عنوان منطق و منهج این رویکرد عرضه گردد.

#### رویکرد سنتی

این رویکرد قدیمی ترین و کهن ترین و مشهورترین دیدگاه غالب در دوره های مختلف تاریخ اسلامی به شمار می رود. با همه این سابقه و شهرت در دوران معاصر که زن به عنوان مسأله مطرح شد

به صورت یک رویکرد هویت یافت. نخستین بروز این رویکرد با نوشته های عدیده ای در خصوص حجاب زنان و پرهیز دادن از اختلاط و حضور زنان در صحنه های مردانه است. مخالفت با تأسیس مدارس آموزش زنان در این راستا قرار دارد. با گذشت زمان این دیدگاه ها به مباحث انسان شناختی و تفاوت های زن و مرد و کمالات هر یک مستند می گردد.

البته به حق باید دغدغه این نویسندگان و صاحبان آرا را در دفاع از عفت و پاکی زن مسلمان و پرهیز از بی بندوباری جدی تلقی کرد، گرچه نوع واکنش های آنان را می توان نقد کرد. براساس آنچه در مقدمات بحث یاد شد نخست گزارشی از اهم منابع و سپس دیدگاه ها و در آخر تحلیلی از منطق و منهج اینان ارائه می شود:

#### ۱. اهم منابع

چنان که گذشت این رویکرد با سابقه ترین دیدگاه مذهبی به شمار می رود و منابع این رویکرد را باید در دو نوع منظور کرد: یکی منابع عام علوم اسلامی از قبیل کتب تفسیر، حدیث، فقه، تاریخ، کلام، فلسفه، عرفان، اخلاق و ... و دیگری کتاب های ویژه مسائل زنان که عمدتاً در این یکصد سال تدوین شده است. بسیاری از ریشه ها و مستندات این رویکرد در منابع عام یافت می شود که اگر تلفیق گردد چهره ای ناموزون را از زن تصویر می کند و البته پاره ای از آنها در کتب خاصی با تعدیل و توجیهاتی راه یافته است. ابتدا به طرح برخی از این نمونه ها در کتب گوناگون علوم اسلامی اشاره می گردد:

#### کتاب تفسیر و علوم قرآنی

مفسران نوعاً در ذیل آیات **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ**<sup>۲۲</sup> و **وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ**<sup>۲۳</sup> و آیه شهادت و ...<sup>۲۴</sup> به تفاوت های زن و مرد و ناتوانی های آنان پرداخته اند. زرکشی در البرهان فی علوم القرآن برای بیان معنای «من» از حروف جاره که به معنای جنس است، چنین مثل می زند: «الرجل خیر من المرأة»<sup>۲۵</sup>؛ جنس مرد از جنس زن بهتر است.»

۲۱. الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۱۳-۴۴.

۲۲. نساء(۴) آیه ۳۴.

۲۳. بقره(۲) آیه ۲۲۸.

۲۴. بقره(۲) آیه ۲۸۲.

۲۵. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۸۸.

مرد و زن برای تقسیم ارث افراد خنثی<sup>۲۴</sup>، شایسته دانستن مردان برای کمال<sup>۲۵</sup> و ...

از این منابع عام که بگذریم، کتاب‌های تدوین شده ویژه مسائل زنان در این یکصد ساله کم نیست. این آثار نخست با محوریت مسأله حجاب آغاز شد و سپس با عنوان‌های زن در اسلام یا تفسیر برخی از آیات و یا موضوعات خاص دنبال شد؛ اینک به معرفی اجمالی اهم این آثار می‌پردازیم:

\* رساله وجوب حجاب، تألیف محمد صادق ارومی فخرالاسلام (م ۱۳۳۰ ق). وی در سال ۱۳۳۹ ق/ ۱۲۹۰ ش این کتاب را نوشت و به استناد انجیل و قرآن از وجوب حجاب زنان دفاع کرد؛ در بخشی از رساله تلخیص دیدگاه مسیحیان و نیز مسلمانان را در باب زن چنین بیان می‌دارد:

- زینت زن حیا و تقواست نه طلا و مروارید.  
- زن دین داری اش را با اعمال صالح به اثبات می‌رساند نه تجارت و اختلاط با مردها.  
- زن نباید مسلط بر شوهر شود، الرجال قوامون علی النساء.  
- خدا اول آدم را آفرید بعد حوا را پس مرد همیشه باید مقدم باشد.

- آدم فریب شیطان را نخورد، بلکه حوا فریب خورد؛ پس زن زود فریب می‌خورد، پس مطلوب حجاب و نقاب و سکونت در خانه است، نه زینت و کشف و مخالطه با مرد.<sup>۲۶</sup>

رساله‌های دیگری نیز در این دوره با همین مضامین تدوین شده است مانند: سدول الحجاب فی وجوب الحجاب از بلادی بوشهری؛ رساله تشریفه لزوم حجاب، تألیف چند نفر مشروطه خواه؛ رساله رد کشف حجاب، نوشته اسدالله خرقانی؛ فلسفه حجاب، اثر ابو عبدالله زنجانی؛ صواب الخطاب فی اتقان الحجاب، تألیف میرهاشم مجتهد مرندی

۲۶. شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۴۳-۴۸، ۵۲-۵۳، ۶۱-۶۲ و ۸۱-۱۹۳ (انتشارات علمی فرهنگی).

۲۷. زن در سخن و سیره امام علی، ص ۱۵ به بعد (دانشگاه علامه طباطبائی).

۲۸. رسائل جرجانی، ص ۶۰.

۲۹. الاسفار الاربعه، ج ۷، ص ۱۳۶.

۳۰. این آمار بر اساس دو کتاب منتشر شده در زمینه تفاوت‌های زن و مرد ارائه گشت و این دو اثر در همین بخش طی شماره‌های ۵ و ۹ معرفی شده‌اند.

۳۱. المبسوط، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳۲. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۸۹.

۳۳. المبسوط، ج ۶، ص ۸.

۳۴. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳۵. تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۲۲۳.

۳۶. رسائل حجابیه، ج ۱، ص ۶۹.

### کتاب حدیث و محدثان

در لابه لای کتب حدیث نیز روایاتی در این زمینه وجود دارد، رجوع شود به کتاب النساء فی اخبار الفریقین و شخصیت و حقوق زن در اسلام<sup>۲۶</sup> و زن در سخن و سیره امام علی<sup>۲۷</sup> و ... . ملا امین استرآبادی روایات مشورت با زن و مخالفت با آنان را نعمت الهی ای می‌داند که خداوند به عنوان شاخص و ترازوی سنجش درستی و نادرستی رای در اختیار مردان قرار داده است.

### کتاب کلام، فلسفه و عرفان

ضیاءالدین جرجانی از متکلمان قرن نهم می‌نویسد: «پس ناچار باید که کردگاری و پدید آورنده‌ای باشد و آن خدای تعالی است که بی همتا و بی همباز است و زن و فرزندش نیست که زن از بهر راندن هوا و شهوت نفس و جستن راحت و لذت باید و این بر خدای تعالی روا نباشد».<sup>۲۸</sup>

ملاصدرا در کتاب الاسفار الاربعه ضمن برشمردن نعمت‌های خداوندی به انسان، یکی از نعمت‌ها را تولد حیوانات گوناگون می‌داند که بعضی برای خوردن، بعضی برای سواری، بعضی برای راحتی و برخی برای ازدواج است و آن گاه این آیه را می‌آورد: **وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا**؛ حاج ملاحادی سبزواری در تعلقه بر این عبارت می‌نویسد:

این که زنان را در سلک حیوانات قرار داد اشاره‌ای لطیف است به این که زنان به جهت ضعف عقل و جمود بر ادراک جزئیات و میل به زیورهای دنیایی گویا در زمره حیواناتند، چرا که سیرت غالب آنان سیرت چهارپایان است و خداوند لباس انسانی بر آنان پوشاند تا مردان بتوانند با آنان همنشین شوند و ازدواج کنند. بدین جهت در شریعت ما جانب مردان رعایت شده و بر زنان در بسیاری از احکام مسلطند مانند طلاق و نشوز.<sup>۲۹</sup>

### کتاب فقه

گذشته از تفاوت‌هایی که در کتب فقه میان احکام مردان و زنان وجود دارد و به پیش از ۱۵۰ مورد می‌رسد<sup>۳۰</sup> برخی دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها نیز درخور تأمل است. از قبیل مردان را در انجام نماز میت اولی از زنان دانستن همچون اولویت افراد آزاده بر برده،<sup>۳۱</sup> غلبه فسق بر زنان و قلت عدالت در میان آنان،<sup>۳۲</sup> تشبیه ازدواج به کرایه دادن و کرایه گرفتن،<sup>۳۳</sup> شمردن دنده‌های

خوبی؛ حجاب پرده دوشیزگان، تألیف محمد حسن صابری مازندرانی؛ لب اللباب، نوشته سید علی اکبر رضوی برقی و... ۳۷.

\* وسیلة العقیاف یا طومار عفت، نوشته یوسف نجفی جیلانی (۱۲۴۵ - ۱۳۲۷ ش). این کتاب نخست در سال ۱۳۰۶ ش/ ۱۳۴۶ ق در رشت به چاپ می‌رسد و برای دومین بار در سال ۱۳۳۴ ش در قم منتشر می‌گردد و چاپ سوم آن نیز در سال ۱۳۷۲ ش در قم به انجام رسیده است. ۳۸ اصل کتاب دو جلدی است که ظاهراً جلد دوم آن تاکنون به طبع نرسیده است. نویسنده از آثار نویسندگان عرب چون الاسلام روح المدنیة از مصطفی غلابینی و مبدأ ارتباط التمدن بدین الاسلام از عبد الحمید افندی جابری و المرأة المسلمة از محمد فرید وجدی و مجلاتی چون العرفان، العلم، الهلال، المنار، جبل المتین و الاسلام استفاده برده است. ۳۹ نویسنده درباره زن در ادوار پیشین، مقایسه زن و مرد از دیدگاه‌های مختلف، بررسی و تحلیل برخی تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در اسلام و حجاب سخن گفته است.

\* مدنیة الاسلام روح التمدن، شیخ احمد شاهرودی. این کتاب در سال ۱۳۴۶ ق/ ۱۳۰۷ ش در نجف منتشر شده است. کتاب دارای ۳۶۳ صفحه است که ۶۶ صفحه آن مربوط به زن و حجاب است. ۴۰ و مباحثی پیرامون تفاوت زن و مرد، تساوی حقوق، ازدواج، امتیازات زن در اسلام [۱۱ مورد]، محدودیت‌های زن [۱۰ مورد] و حجاب را به بحث گذارده است.

\* المرأة المسلمة، نگارش محمد فرید وجدی، ۱۸۷۸ - ۱۹۵۴ م. این اثر را سید مفید حسینی ملجائی خلخالی [م ۱۳۱۸ ش] در سال ۱۳۴۹ ق (۱۳۰۹ ش) ترجمه کرده و در همان سال با نام بانوی اسلامی به چاپ رسیده است. چاپ دوم آن در سال ۱۳۳۷ ش/ ۱۳۷۸ ق از سوی کتابفروشی بنی هاشمی تبریز صورت می‌گیرد. کتاب در سیزده فصل تنظیم شده و نویسنده در آن به نقد دیدگاه‌های نو و جدید به ویژه دیدگاه‌های قاسم امین پرداخته است. در پایان کتاب خلاصه فصول سیزده گانه را در نه بند جمع بندی می‌کند که برخی از آن بندها چنین است:

- زن از جهت خلقت بدنی و جسمی از مرد ضعیف تر است و از حیث قبول علم نیز از مرد کمتر است و این ضعف در زن نه به قصد پست قرار دادن زن از مرد و یا الزام نمودن زن برای خضوع و اطاعت نمودن از مرد است، بلکه وظیفه مخصوصه زن بیش از این مقدار اقتضا و ظرفیت ندارد (ص ۱۹۰ - ۱۹۱).

- برای هر موجودی کمالی است مخصوص به او و کمال زن

در این نیست که عضلاتش محکم و دایره معلوماتش اتساع داشته باشد، بلکه کمال زن در یک هویت روحیه است (ص ۱۹۱). زن نمی‌تواند به آن کمال برسد مگر آن که عیال باشد از برای مرد و مادر باشد برای اطفال که آنها را با تربیت صحیحه تربیت کند و این مطلب نه تنها از باب اعطای وظیفه به صاحب وظیفه است، بلکه نمو ملکات زن و تهذیب مواهب زن حاصل و میسر نمی‌شود مگر به این وسیله، زیرا زن جسماً و روحاً برای همین موضوع خلق شده (ص ۱۹۱ - ۱۹۲).

\* الحجاب فی الاسلام، قوام الدین و شنوی. این کتاب چنان که در پایان آن آمده (ص ۱۰۱) در سال ۱۳۷۲ ق [۱۳۳۰ ش] نگارش یافته و در چاپخانه حکمت قم به چاپ رسیده است. زبان کتاب عربی است. نویسنده از وجوب ستر و وجه و کفین دفاع می‌کند و ادله و مستندات فقهی آن را بیان می‌دارد و در ضمن کتاب به مباحثی در مورد جایگاه زن و مرد و تفاوت‌های آنان و روایاتی در مذمت زنان اشاره دارد.

\* الفروق بین المرء والمرأة فی نظر الشرع، نوشته حاج سید علی مولانا تبریزی. این کتاب در سال ۱۳۷۹ ق/ ۱۳۳۸ ش در تبریز به چاپ رسید. نویسنده تفاوت‌های موجه در کتب فقهی را در ۱۷۱ بند برشمرده و برای هر یک در پاورقی‌ها شرح و توضیحی ارائه می‌دهد.

\* زن و انتخابات، شماره اول از مجموعه «از اسلام چه می‌دانیم»، نگارش زین العابدین قربانی و محمد شبستری و علی حجتی کرمانی و عباسعلی عمید و حسین حقانی. انتشارات کتابفروشی طباطبایی قم، این کتاب را در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسانده است. ۴۱

این کتاب با مقدمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی آغاز می‌شود و دارای پنج بخش است. در بخش اول با عنوان چرا زنان حق حکومت ندارند از تفاوت‌های جسمانی و روانی زن و مرد سخن می‌رود و با نقل کلماتی از دانشمندان در اثبات این نظریه تلاش می‌شود. در بخش

۳۷. همان، ص ۸۱-۳۴۴.

۳۸. طومار عفت، ص ۸.

۳۹. رسائل حجابیه، ج ۱، ص ۳۴۷.

۴۰. همان، ص ۵۳۷.

۴۱. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۲، ص ۲۷۸۱.

\* رساله بدیعة فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء، السید محمد حسین الحسینی الطبری (۱۳۵۸ ش). این کتاب در سال ۱۳۹۹ ق تألیف و از سوی انتشارات حکمت به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی آن با عنوان ترجمه رساله بدیعه از سوی همان ناشر به چاپ رسیده است. در این اثر نخست بر پایه مبانی عام اسلامی جایگاه زن و مرد را نشان می دهد و تفاوت های آن دو را برمی شمارد، سپس در مبحث دوم به تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء می پردازد و محرومیت زنان را از منصب قضاوت و جهاد و ولایت بر پایه آیه قوامیت و سایر ادله روایی اثبات می کند. از نتیجه گیری های پایان کتاب این است:

و بما ذکرنا ظهر عدم جواز دخولهن فی مجلس الشوری و ان کن فقیهات ذوات اجتهاد و استنباط (ص ۱۴۰)؛ از آنچه گفتیم دانسته شد که ورود زنان به مجلس شورا روا نیست گرچه زنان فقیه و مجتهد و صاحب قدرت استنباط باشند.

گفتنی است نویسنده دیدگاه های خود را درباره ای از کتاب های دیگرش نیز باز گفته است؛ از ایشان در سال ۱۴۱۵ ق کتابی منتشر شده با عنوان کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین. در بخش های اولیه این اثر با آمار و ارقام از مضرات کنترل جمعیت بحث می شود. و در مبحث هفتم به تشریح برخی دیدگاه ها در زمینه زن می پردازد و به برخی نقدها پاسخ می گوید و بر این باور است که می توان میان پوشش و جدایی زنان از مردان و تربیت علمی زنان و تشویق و ترغیب آنان به علوم و فنون جمع کرد. ۴۲

\* النساء فی اخبار الفریقین یا زن در اخبار شیعه و سنی، اثر سید محمود بن سید مهدی دهرخی اصفهانی. این کتاب در سال ۱۴۱۵ ق [۱۳۷۳ ش] در قم چاپ شده است. نویسنده در این کتاب ۲۶۰ حدیث را با ترجمه از کتاب های حدیثی شیعه و سنی گرد آورده و در پایان حدیثی را گوشزد کرده که حاوی ۷۲ خصلت در زمینه آداب النساء و تفاوت میان احکام زنان و مردان است.

مضمون بسیاری از روایات تشویق زنان به شوهرداری و اطاعت از آنان در هر شرایط است یا آنان را به خانه نشینی و پرهیز از حضور در اجتماع و اختلاط با مردان تشویق می کند.

\* دین و زن، محمد تقی صدیقین اصفهانی. هیچ گونه تاریخ و نشانه ای از ناشر و محل نشر در کتاب نیست و تنها در پایان کتاب آدرس «قم، خیابان صفائیه، کوی ورزشگاه» آمده است. کتاب به قطع رقعی و دارای ۹۱ صفحه می باشد. نویسنده اوضاع و احوال را پس از انقلاب در حوزه های مرتبط با زنان

۴۲. کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین، ص ۱۷۴.

دوم با عنوان تمدن و آزادی زنان نخست دیدگاه های برخی غربیان را در نفی فعالیت های اجتماعی - سیاسی گوشزد می کند و سپس به چهار کشور سوئیس و آمریکا و شوروی و انگلستان اشاره دارد که زنان در منصب های سیاسی این کشورها حضوری ندارند. در بخش سوم ادله اسلامی بر عدم جواز حضور زنان در انتخابات را می آورد. در بخش چهارم ادله موافقان را نقل و نقد می کند و در بخش پنجم زبان های فردی و اجتماعی چنین آزادی هایی را برای جوامع بشری برمی شمارد.

\* پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب، استاد مرتضی مطهری. پس از چاپ مسأله حجاب مرحوم مطهری، یکی از فضلا در سال ۱۳۴۹ ش نقدهایی در حاشیه چاپ سوم می نگارد و در اختیار استاد شهید مرتضی مطهری قرار می دهد. این اثر حاوی آن نقدها و پاسخ های استاد مطهری می باشد. ناقد دیدگاه های مرحوم مطهری در باب حجاب را مخالف دستورات دینی و لااقل دستورات مستحبی آن می داند و بر این باور است که اسلام نه تنها طرفدار ستر بلکه طرفدار پرده نشینی زنان است (ص ۷) و دیدگاه های استاد مطهری را نوعی تشویق ورود زنان در میان اجتماع مردان می داند که از نظر اسلام ممدوح نیست (ص ۲۲). نام ناقد در کتاب مشخص نشده است.

\* مزایای زن و مرد در اسلام، تألیف سید ابوالفضل نبوی قمی. ظاهر امر آن است که اصل نگارش در سال ۱۳۴۸ ش پایان یافته است و تاریخ پایان دیباچه نیز بدان صراحت دارد (ص ۳). در پایان کتاب که تاریخ قید شده با تعبیر وقع التألیف و النشر ببلده قم سال ۱۳۹۱ ق / ۱۳۵۷ ش رقم خورده است (ص ۱۵). اطلاعات دیگری نیز در شناسنامه و عنوان کتاب درج نشده است.

به هر حال نویسنده در این کتاب تفاوت های زن و مرد را در اسلام در زمینه های حقوقی و طبیعی و دینی در یکصدد و شصت بند تنظیم و تحلیل کرده است. در مقدمه کتاب وجود اختلاف در جهان کبیر و سایر موجودات و جهان انسانی و میان افراد بشر را بازگو می کند تا به تفاوت های زن و مرد می رسد. آن گاه مستندات این اختلاف را از آیات قرآنی برمی شمرد و به بیان فلسفه آن می پردازد. پس از مقدمه در فصل نخست معامله بشر با زنان را در تاریخ تشریح می کند و در فصل های دوم تا پنجم امتیازات زن و مرد را در سه حوزه عبادات و معاملات و سیاسات و معاشرت بیان می کند.

شگفت آور دانسته و از فرط آزادی و یله و رها بودن دسته ای از زنان گله مند است و با توجه به مقدمه کوتاهی که آورده آن را متأثر از غرب و اروپا می داند. وی در این کتاب چهل حدیث را در باب زن برگزیده که با ترجمه و تشریح آنها می خواهد دیدگاه اسلام را پیرامون زنان باز گوید. محور روایات منقول را حجاب زنان و پرده نشینی و پرهیز از اختلاط با مردان و رعایت حقوق شوهران و ... تشکیل می دهد.

## ۲. دیدگاه‌ها

در میان آثار یاد شده اعم از آثار عام یا اختصاصی، دیدگاه‌های مطرح را در سه بخش عرضه می کنیم: شخصیت زن، توانمندی‌ها و کمالات؛ حقوق و تکالیف زن و مرد؛ حضور اجتماعی زنان.

### الف) شخصیت زن، توانمندی‌ها و کمالات

در تمامی آثار یاد شده آن جا که به بحث تکوین و خلقت زن و مرد پرداخته اند از برتری مرد بر زن در جنبه های تکوینی سخن گفته اند و همان را مبنای تفاوت های حقوقی و تبعیت زن از شوهر و نیز خانه نشینی اش به حساب آورده اند و علاوه بر آن تلاش شده از علوم جدید نیز مستندات اقتباس گردد و به ادله دینی منضم شود تا آن را موجه نماید. در کتاب طومار عفت می خوانیم:

تمام شرایع که منظورشان هدایت مردم است به سوی حق و مقصودشان تهیه و تنظیم هیأت اجتماعی بشر بوده و هست اتفاق دارند بر این که معامله با زنان مانند معامله با شخص قاصر و محتاج به ولی و کافل و قیم کامل می باشد، چرا که زنان تکویناً، خلقتاً، بدناً، ادباً، رأیاً، عقلاً و عملاً نسبت به مردان ناقص هستند چنان که علمای اخلاق بیان و وصف نموده و زنان را به مغلوبیت و تسلیم در مقابل شهوات معرفی کرده می گویند: دوست داشتن لهُو و لعب و تعلق به اوهام و پذیرفتن دسایس و اختلافات و تلون مزاج در زنان بیشتر از مردان است. ۴۳

در جای دیگری می نویسد: «زن در اسلام از فضایل آتیه بی بهره است و به عبارت اختری شارع مقدس اسلام خیلی از احکام تکلیفه را اختصاص به مردان داده و زن ها را از آن تکالیف آزاد نموده» و در اثر دیگر پس از نقل نه مطلب از کتاب فریاد وجدی آنها را مبرهن به ادله علمیه می داند:

۱) زن اضعف از مرد است جسماً و اقل قبولاً است در علم و این ضعف نه برای آن است که او را از درجه مرد تنزل دهد، بلکه برای آن است که وظیفه خاصه او مقتضی زیاده از آن نمی باشد و فطری طبیعی اوست که اگر هر قدر بذل جهد کند که به مرد برسد نمی رسد، زیرا که نه جسماً و نه ادراکاً با مرد مساوی نخواهد بود.

۲) از برای هر موجودی کمال خاصی است که منحصر به اوست و کمال زن نه به صلابت عضلات اوست و نه به اتساع دایره معلومات وی، بلکه کمال او منحصر است در موهبت روحیه که تمتع به او مطلوب است و آن موهبت، احساسات دقیقه و عواطف رقیقه اوست که حایز درجه اقصی است و موهبت مذکوره به حد کمال نرسد مگر در تحت قیادت مرد.

۳) زن به کمال خاص الخاصی خود نرسد مگر آن که زن مردی باشد و مادر طفلی که به تربیت صحیحه آنها را مربی شود و این نه برای آن است که فقط به وظایف خود رفتار نموده، بلکه نمو ملکات و تهذیب اکمال نشود مگر به زن بودن و مادر شدن به علت آن که روحاً و جسماً برای آن خلق شده.

۴) اشتغال زن به کارهای مردانه سبب اعدام مواهب و اطفای ملکات و اذهاب بهجت و نزول اوست از مراتب خلقیه و موجب فساد ترکیبی او خواهد بود. به علاوه، سبب خلل در جامعه و حرجی است که در قلوب امت باقی خواهد ماند.

۵) حجاب ضروری زنان است برای صلاح نوع انسانی عموماً و صلاح زن خصوصاً، برای این که در حجاب ضمانت استقلال و کفالت حریت زن خواهد بود.

۶) زن در مدنیت ماده کامل نیست و سیر به کمال هم نمی کند و به کمال هم نمی رسد و امروز علمای اروپا از حالت فعلی زن شاکی و سعی می کنند در وقوف سیر او.

۷) طریق تعلیم امروزی در تمام ممالک اروپا و آمریکا برای زنان صالحیت ندارد به شهادت علمای همان ممالک هم.

۸) تعالیم دیانت اسلامیّه بالنسبه به زن موافق فطرت طبیعت زن است به تمام موافقت و تعلیمات دیانت اسلامیّه به منزله قالب تام و تمامی است که جمیع خصایص و ملکات زن را حافظ است و اگر به همان دستورات اسلامیّه نمو کند، شئون او به اعلی درجه خواهد رسید.

۹) زن مسلمه اگر در علوم کوشش نکند که خود را به حد کمال برساند نقص او نیست، مگر مبادی علوم ضروریه را که واجب است تحصیل آن بالضروره. ۴۴

۴۳. طومار عفت، ص ۳۳.

۴۴. رسائل حجابه، ص ۳۶۲-۳۶۳.



امامت، جهاد، اذان، خطبه خواندن، اعتکاف، تحمل دیه، قسامه، ولایت بر نکاح و طلاق، ازدواج با بیش از یک زن، استفاده از کنیزکان به صورت شرعی، رجوع در طلاق، نسب از راه پدر، مهریه، نفقه، قضاوت، جمعه، جماعت، زیادتی عقل و دین، زیادتی سهم در ارث، لزوم اطاعت زن از شوهر و رعایت خشنودی شوهر و نه بالعکس؛ بلکه در دین، کسی که از زن اطاعت کند مذمت و نکوهش شده است، آفرینش زن از مرد و مخلوق منه از مخلوق افضل است، مرد توانایی جسمانی دارد، شجاعتش بیشتر است، به کارهای بیهوده کمتری می پردازد، عزت نفس دارد، از خلقت نیکو بهره مند است، دوستی اش پایدار، به عهدهایش پایبندتر است، بیشتر راز نگه دار است و تحمل سختی هایش از زن بیشتر می باشد.<sup>۴۸</sup>

همچنین در کتاب الفروق بین المرء والمرأة فی نظر الشرع ۱۷۱ فرق میان زن و مرد را بررسی کرده است. یادآوری می کند که علامه مجلسی رساله ای در تفاوت های زنان و مردان در نماز و وضو تحریر کرده و در آن چهارده اختلاف میان زن و مرد را برمی شمارد.<sup>۴۹</sup>

#### ب) حضور اجتماعی زنان

نظریه مسلم و مقبول نزد صاحبان این رویکرد پرده نشینی و ارتباط نداشتن زنان با مردان است. این مطلب را در گزارش کتاب پاسخ های استاد به نقدها بر کتاب مسألة حجاب آوردیم که ناقد از رجحان پرده نشینی زن در اسلام سخن می گوید (ص ۷). همچنین در گزارش کتاب النساء فی اخبار الفریقین به این مسأله اشاره شد که نویسنده در احادیث ۱ و ۱۰ و ۱۳ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۷ و ۲۹ و ۳۲ و ... بر این امر تأکید می ورزد. نویسنده کتاب رساله بدیعه با حضور زنان در مجلس شورای اسلامی مخالفت کرد. نویسندگان کتاب زن و انتخابات حضور زن را برای رأی دادن و انتخاب شدن مورد نقد قرار دادند. از اینها که بگذریم آرای برخی بزرگان دینی در تاریخ یکصد ساله ایران در این زمینه درخور توجه است.

مرحوم شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۸-۱۳۳۷ق/۱۸۲۴-۱۹۹۰م) در روز دوشنبه هیجدهم جمادی الثانی سال ۱۳۲۵ق در لایحه ای که مقاصد خود را بیان داشته، ضمن بیان این نکته

۴۵. زن و انتخابات، ص ۸۷.

۴۶. رساله بدیعه، ص ۱۱.

۴۷. مزایای زن و مرد در اسلام، ص ۱.

۴۸. الحجاب فی الاسلام، ص ۴۱-۴۴.

۴۹. بیست و پنج رساله فارسی از علامه محمد باقر مجلسی، ص ۲۸۹-۲۹۲.

در کتاب زن و انتخابات می خوانیم: «زن و مرد دارای خلقت متفاوت بود و هر یک برای کار معین و مخصوصی ساخته شده اند، مراجعه به مختصات طبیعی این دو جنس و امتیازاتی که بین ساختمان فکر و عقل و بدن و احساسات و عواطف زن و مرد مشهود است مدعای فوق را ثابت می کند».<sup>۴۵</sup>

در کتاب رساله بدیعه می خوانیم: «هر گاه زن و مرد را در استعداد های طبیعی و خدادادی به تنهایی در نظر بگیریم تردیدی نیست که مردان بر زنان در ساختمان جسمانی و نیروی عقلانی و گستره تفکر و نیروی مدیریت برتری دارند، چنان که مضمون آیه قوامیت می باشد».

یا می خوانیم: «مرد نیرومند و قوی بنیه و دارای ساختمان بندی استوار و نیز عقلانی قوی و تفکری برنده و احساساتی متناسب است و زن بنیه ضعیف و استخوان بندی لطیف و احساسات برنده و عاطفه ای نیرومند و تفکری متناسب بر خلاف مرد دارد».<sup>۴۶</sup>

این مضمون در بسیاری از کتاب ها و منابع این رویکرد دیده می شود.

#### ب) حقوق و تکالیف زن و مرد

طرفداران این نظریه بحث را از تفاوت های حقوقی و تکلیفی زن و مرد آغاز کرده اند و اگر به تفاوت های تکوینی و خلقت زن و مرد رسیده اند به عنوان مبنا و دلیل بوده است، به تعبیر دیگر چنین تفاوت هایی نزد آنان مسلم بوده است. علاوه بر این در پاره ای از آثار به صورت مستقل یا ضمنی به این تفاوت ها پرداخته شده است.

در کتاب مزایای زن و مرد در اسلام چنین می خوانیم: «به تقریب اکثر مواردی که در فقه اسلام میان زن و مرد فرق گذاشته شده استقصا کردم یعنی بالغ بر ۱۶۰ رقم اختلاف حکمی و حقوقی و اخلاقی آنان را جمع آوری نموده در چهار فصل به نام عبادات، معاملات، سیاسات و معاشرت قرار دادیم».<sup>۴۷</sup>

مرحوم قوام الدین و شنوی در کتاب الحجاب فی الاسلام به نقل از ادهمی می نویسد:

جدایی زن و مرد از جهت شرعی روشن است، زیرا برای مردان بسیاری از مسائل مهم اصول دین و فروع آن رواست که برای زنان جایز نیست، مانند پیامبری، خلافت و

که چون مجلس دایر شد نطق‌ها و لویح و جراید از گوشه و کنار پیدا شد و مطالبی در آنها مطرح شد که «هیچ کس منتظر نبود و زائد الوصف مایه وحشت و حیرت رؤسای روحانی و ائمه جماعت و قاطبه مقدسین و متدینین شد». سپس نمونه‌هایی ذکر می‌کند از قبیل اباحه مسکرات و اشاعه فاحشه‌خانه‌ها و افتتاح مدارس تربیت نسوان و دبستان دوشیزگان و ... ۵۰

### منهج و روش این رویکرد

همچنین می‌توان روش و منهج این رویکرد را چنین ترسیم کرد: اعتقاد به تعبد در احکام دینی به معنای پرهیز از بیان فلسفه و حکمت و تبیین‌های کلامی؛ اتکای شدید بر احادیث و روایات و نپرداختن به پالایش آنها؛ عدم اهتمام کامل و توجه مناسب به آیات قرآنی در حوزه مسائل زنان به ویژه مشارکت‌های اجتماعی؛ تکیه بر علوم و دانش‌های جدید جهت تثبیت تفاوت‌های زنان و مردان.

### رویکرد کلامی - اجتماعی (از دهه چهل به بعد)

رویکرد دوم از دهه چهل به بعد شکل می‌گیرد. با چاپ تفسیر المیزان و طرح دیدگاه‌های نویسنده درباره زن در جلد‌های دوم و چهارم آغاز می‌شود و با کتاب‌های استاد شهید مرتضی مطهری در دهه پنجاه وارد فضای عمومی جامعه می‌گردد و در دهه پنجاه نخست با آثار دکتر شریعتی و سپس دیدگاه‌های حضرت امام خمینی وارد عرصه جدیدی می‌گردد و با اثر استاد آیت الله جوادی آملی به اوج می‌رسد. مشخصه‌های کلی این طرز تفکر را می‌توان چنین فهرست کرد:

- دفاع از هویت انسانی زن و برابری وی با مرد بر پایه قرآن و برهان و عرفان؛

- اعتقاد به تفاوت‌های زنان و مردان در عرصه روانی و جسمی و تدبیری؛

- تبیین کلامی تفاوت‌های فقهی و حقوقی میان زنان و مردان؛

- دفاع از جواز مشارکت اجتماعی زنان و تأکید بر رجحان آن.

اینک پس از این گزارش مختصر، بحث درباره این طرز تفکر را با گزارش نسبتاً تفصیلی اهم آثار و دیدگاه‌ها و روش و منهج آنان ادامه می‌دهیم:

۱. آثار علامه طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۱ ش). علامه طباطبایی

۵۰. لویح آقا شیخ فضل الله نوری، همارضوانی، ص ۲۸.
۵۱. مجله کلک، زن در جامعه قاجار، ص ۴۵ (ش ۵۵-۵۶).
۵۲. تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۴۲-۲۴۷.
۵۳. همان، ص ۲۴۱.
۵۴. درباره برخی تعارض‌ها در دیدگاه‌های حضرت امام بنگرید به: فصلنامه حکومت اسلامی، مقاله ثابت و متغیر در اندیشه سیاسی امام خمینی، نوشته حسین سیمایی، ص ۴۸۰ (ش ۱۲).

مرحوم مدرس (۱۲۸۷-۱۳۵۷ ق/ ۱۳۱۶ ش) در مجلس دوم (۱۳۲۹ ق) به هنگام ارائه لایحه انتخابات و نفی صلاحیت زنان برای شرکت در مجلس می‌گوید: «از اول عمر تا حال بسیار در بر و بحر، مهالک اتفاق افتاده بود برای بنده، بدن بنده به لرزه نیامد و امروز بدنم به لرزه آمد. اشکال بر کمیسیون این که اولاً نباید نسوان را در منتخبین برد که از کسانی که حق انتخاب ندارند نسوان هستند مثل این که بگویند از دیوانه‌ها نیستند، سفها نیستند. از روی برهان باید صحبت کرد و برهان این است که امروز ما هر چه تأمل می‌کنیم می‌بینیم خداوند قابلیت در اینها قرار نداده است که لیاقت حق انتخاب را داشته باشند. مستضعفین و مستضعفات و آنها از آن نمره‌اند که عقول آنها استعداد ندارد... ۵۱»

در نامه‌ای جمعی از مراجع تقلید و آیات عظام در اسفند ۱۳۴۱ شمسی حضور زنان در مجلس مورد مخالفت شدید قرار می‌گیرد. ۵۲ چنان‌که در نامه حضرت امام به آقای علم در ۱۳۴۱/۷/۲۸ «ورود زن‌ها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکم اسلام» قلمداد می‌شود. ۵۳

درباره دیدگاه حضرت امام در آن دوره با توجه به دیدگاه‌های دیگر ایشان به حضور اجتماعی زنان می‌توان گفت: شرایط سیاسی و اجتماعی و مفسده‌های آن دوران منظور بوده است. ۵۴ البته به صورت کلی تر نباید دغدغه خاطر این بزرگان و خیرخواهی آنان را برای جامعه اسلامی از یاد برد، چرا که در فضای مسموم و ناسالم آن دوران و همچنین ورود تازه این گونه مباحث به صورت طبیعی چنین عکس‌العمل‌هایی را به دنبال دارد و غرض از اشاره به این موارد، تنها اشاره به نوع نگاه آنان است.

در پایان می‌توان آرا و دیدگاه‌های این رویکرد را چنین تلخیص کرد: اعتقاد به تفاوت‌های فراوان زنان و مردان در زمینه‌های جسمی، روحی، تعقل و احساسات؛ ارائه تعریف ویژه از کمالات زن؛ اصرار بر خانه نشینی زن و مخالفت با حضور اجتماعی زنان؛ اعتقاد به تفاوت‌های فراوان حقوقی و تکلیفی زنان و مردان.

دفاع از مقام زن در اسلام (ص ۴۹-۵۸) نخست به تفاوت های جسمی و روحی زن و مرد می پردازد (ص ۶۶-۸۰)، آن گاه به مسأله اختلافات حقوقی و تکالیف این دور می کند. وی نخست تلاش می کند دایره اختلافات را محدود سازد و حتی برخی اقوال غیر مشهور را نقل می کند مانند جواز مرجعیت زنان برای تقلید (ص ۸۲)، جواز امامت زنان برای زنان در نماز (ص ۸۴) و در موارد اختلاف به بیان فلسفه و حکمت آن می پردازد و به ویژه در مواردی به صورت مسبوط این فلسفه و حکمت ها را بازگو می کند، مانند حق طلاق مرد (ص ۲۱۷-۲۵۵) و تعدد زوجات (ص ۱۷۴-۹۱۶) و ازدواج موقت (ص ۱۹۷-۲۱۹).

نویسنده در چاپ سوم ۱۳۴۳ ش مقدمه ای مبسوط در هفتاد صفحه بر کتاب اضافه می کند.

۳. آثار استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۹۵-۱۳۵۸ ش). علامه مطهری در دهه پنجاه، این تفکر را در جامعه ایران عمومی می کند. به گمان نگارنده استاد مطهری بهترین مقرر دیدگاه های علامه طباطبایی است، البته از ابداعات و ابتکارات ایشان هم در این زمینه نباید گذشت. استاد مطهری در سال های ۴۵-۱۳۴۶ سلسله مقالاتی را در مجله زن روز به چاپ می رساند با عنوان زن در حقوق اسلامی که بعدها در سال ۱۳۵۲ با عنوان نظام حقوق زن در اسلام منتشر می شود. ۵۶

همچنین در سال ۱۳۴۸ کتاب مسأله حجاب را به چاپ می رساند<sup>۵۷</sup> و نیز در سال ۱۳۴۹ نقدها بر مسأله حجاب را پاسخ می دهد که پس از انقلاب به چاپ می رسد. این اثر به جهت دیدگاه های ناقد در بخش قبل معرفی شد.

استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام از هویت انسانی زن با تکیه بر آیات قرآن بحث می کند و مانند علامه طباطبایی آن را به اثبات می رساند (ص ۱۳۹-۱۷۴)، البته از تفاوت های زن و مرد در سه عرصه جسمی و روانی و احساسات دیگر نیز سخن می گوید و آن را باور دارد و مبنای تفاوت احکام می داند (ص ۱۹۷-۲۲۲) و در ادامه به تبیین کلامی مسأله مهر و نفقه (ص ۲۲۲-۲۷۴) و مسأله ارث (ص ۲۷۵-۳۶۰) و حق طلاق (ص ۲۸۷-۳۶۰) و تعدد زوجات (ص ۳۶۱-۴۵۵) می پردازد. البته در لایه لای کتاب از مسأله اسلام و مقتضیات زمان و چگونگی انطباق احکام اسلامی با تحولات زمانه نیز بحث کرده است (ص ۱۰۱-۱۳۷).

۵۵. دائرة المعارف تشیع، ج ۴، ص ۵۷۶.

۵۶. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۶-۲۹؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۲۷.

۴۰-

۵۷. فهرست کتاب های چاپی فارسی، ج ۴، ص ۴۷۲۸.

در تفسیر گرانقدر المیزان جلد های دوم و چهارم به پاره ای از مباحث مربوط به زنان پرداخته است. تفسیر المیزان در فاصله سال ها ۱۳۷۵-۱۳۹۳ ق تحریر و چاپ شده است. ۵۵ علامه در جلد دوم، ص ۲۶۰-۲۷۸ با عنوان المرأة فی الاسلام [زن در اسلام] نخست گزارشی از وضعیت زن در امت های غیر متمدن و سپس تمدن های پیش از اسلام ارائه می کند، همچنین وضعیت زن را در میان عرب ها و دوره جاهلیت گزارش می کند و چنین نتیجه می گیرد که در تمامی امت ها:

- زن را انسانی در سطح حیوان یا انسانی ناتوان می دانستند.

- زن را از ابزار مورد نیاز مردان مانند مسکن و برده و اسیر در اختیار او می دانستند.

- او را از تمامی حقوق محروم می کردند.

- زن را در استخدام مرد می دانستند.

پس از این گزارش زن را در اسلام بررسی می کند و می گوید:

از نظر اسلام زن انسانی است مانند مرد که در جوهره انسانی با او مشترک است و برتری جز به تقوا نیست (ص ۲۶۹). گرچه در جای دیگر تصریح می کند که متوسط زنان از متوسط مردان در کمالات عقب ترند و آن را مستند به تفاوت های فیزیکی و عاطفی و عقلانی می داند (ص ۲۷۵).

در عرصه اجتماع نیز زن و مرد برابرند با این تفاوت که زن مانند کشتزار است که بقای نوع انسانی به او بسته است و زن وجودی لطیف و عاطفی دارد (ص ۲۷۱). در ناحیه احکام و حقوق، زنان و مردان برابرند جز در مسأله حکمرانی، قضاوت، جهاد، ارث، حجاب و پوشش، تمکین جنسی نسبت به شوهر (ص ۲۷۲). در پایان به مبنای این اختلاف حقوقی می پردازد که فطرت زن و مرد آن را اقتضا می کند (ص ۲۷۳).

در جلد چهارم عمدتاً به تبیین کلامی چند مبحث فقهی و حقوقی پرداخته است. در ص ۱۷۸-۱۹۸ به مسأله ازدواج و چند همسری و فلسفه آن در اسلام می پردازد. در ص ۲۱۲-۲۳۳ تفاوت زن و مرد را در ارث به بحث می گذارد. در ص ۳۴۶-۳۴۷ از مسأله قومیت مردان بر زنان سخن می گوید.

۲. حقوق زن در اسلام و جهان، نوشته یحیی نوری. چاپ اول این کتاب در شهریور ۱۳۴۰ به انجام می رسد. از آن پس چند نوبت دیگر تجدید چاپ می شود. در این کتاب نویسنده ضمن



در کتاب مسأله حجاب نخست به تبیین کلامی تفاوت حجاب زن و مرد پرداخته و تحلیل های رقیب را نقادی می کند و آن گاه با بررسی فقهی و اجتهادی از لزوم نداشتن پوشش صورت زنان و دو دست تا مبحث بحث می کند. در کتاب پاسخ های استاد نیز عمدتاً تأکید بر دیدگاه هایی است که در مسأله حجاب یا نظام حقوق زن بدان پرداخته و از پاره ای دیدگاه ها رفع ابهام می کند. ۵۸

۴. آثار دکتر علی شریعتی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۶ ش). دکتر علی شریعتی در دهه شصت در چند نوشته و سخنرانی به مسأله زن پرداخته و در این آثار از هویت انسانی زن از نگاه اسلام و وجود الگوهای برتری چون حضرت فاطمه (س) و زینب (س) سخن می گوید. آنچه از وی در این زمینه بر جای مانده عبارت است از: - فاطمه فاطمه است، تحریر و تکمیل سخنرانی در ۱۳۵۰/۶/۲۶ در حسینیه ارشاد؛

- انتظار عصر حاضر از زن مسلمان، تحریر سخنرانی در ۱۳۵۱/۴/۴ در حسینیه ارشاد؛

- سمینار زن، سخنان وی در ایام فاطمیه سال ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیرماه ۱۳۵۱؛

- حجاب، گفتگویی در سال ۱۳۵۵؛

(این چهار مبحث، در جلد ۲۱ از مجموعه آثار با عنوان زن منتشر شده است. البته کتاب فاطمه فاطمه است نیز به صورت مستقل بارها به چاپ رسیده است).

- زن در چشم و دل محمد (ص) (این نوشته در کتاب حریت و حقوق زن در اسلام که حاوی چند مقاله از چند نویسنده است در آبان ۱۳۵۷ از سوی نشر میلاد به چاپ رسیده است).

شریعتی چنان که در بخشی از این نوشته هایش اشاره می کند می خواهد الگویی برای اکثر زنان جامعه ارائه کند که نمی خواهند زیر بار فرهنگ تحمیلی غرب یا فرهنگ کهن سنتی و جاهلی باشند. ۵۹

۵. امام خمینی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۸ ش). از امام خمینی اثر و نوشته ای مستقل در باب زن بر جای نمانده است، آنچه از ایشان در دست است مجموعه ای از سخنرانی ها و مصاحبه ها و نامه ها یا قطعه هایی در برخی آثار چون کشف الاسرار است که در دو دوره تاریخی خلق شده اند، یکی پیش از انقلاب اسلامی و دیگری در دوران انقلاب اسلامی یعنی از سال ۱۳۵۷ تا هنگام ارتحال ۱۳۶۸.

این مجموعه را مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در دفتر هشتم از مجموعه تبیان با عنوان جایگاه زن در اندیشه امام خمینی گردآورده و در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است. البته بخشی از این مجموعه پیش از این با عنوان های دیگری چون

سیمای زن در کلام امام خمینی به چاپ رسیده است.

آنچه از مجموعه این گفته ها و نوشته ها بر می آید این است که امام خمینی علاوه بر تأکید بر هویت انسانی زن و برابری وی با مرد در کمالات انسانی تلاش می کند موانع مشارکت اجتماعی زنان را از سر راه بردارد و او را در عرصه های اجتماعی - سیاسی و علمی فعال و با نشاط گرداند و البته این همه با تأکید بر نقش مادری و حفظ خانواده به عنوان بنیاد اساسی جامعه صورت می گیرد. در باب تجزیه و تحلیل دیدگاه های حضرت امام مقالات و کتاب ها و پایان نامه ها و چند همایش نیز برگزار شده است.<sup>۶۰</sup>

۶. آیت الله جوادی آملی. ایشان در سال ۶۹ - ۱۳۶۸ دسی را برای محصلان جامعه الزهرا (س) در قم القا فرمود و در آن پاره ای از مسائل مربوط به زن را تجزیه و تحلیل کرد.

این مجموعه سخنرانی ها با عنوان زن در آینه جمال و جلال الهی پس از تحریر و بازنویسی در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید.

ایشان را مانند استاد مطهری باید ادامه اندیشه های علامه طباطبایی به شمار آورد، گرچه استاد جوادی آملی در بحث هویت انسانی زن مسأله را گامی به جلوتر برد و فراتر از قرآن به فلسفه و عرفان نیز استناد می کند تا هویت انسانی زن را در پرتو این دو دانش و صاحبان این علوم نیز آشکار سازد، چنان که در بحث تبیین کلامی تفاوت های فقهی و حقوقی مواردی را بیشتر از آنچه در کلام علامه طباطبایی و شهید مطهری طرح شده بود مورد بررسی قرار می دهد و این موارد عبارتند از: سن بلوغ دختران (۳۵۲ - ۳۵۵)، مرجعیت زنان (ص ۲۸۱ - ۲۸۳)، وجوب قضای نماز و روزه پدر بر پسر (ص ۴۱ - ۴۱۱)، پیامبری زنان (ص ۲۳۱)، قضاوت زن (ص ۲۸۳)، شهادت زنان (ص ۳۴۶ - ۳۴۷)، تفاوت دیه (ص ۴۰۱ - ۴۰۴)، تفاوت ارث (ص ۴۰۴).

۵۸. جهت آشنایی بیشتر با دیدگاه های استاد مطهری در مسأله زن بنگرید:

مهدی مهریزی، زن و فرهنگ دینی، ص ۱۴۹ - ۱۵۷.

۵۹. مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۴.

۶۰. بنگرید: مجموعه مقالات کنگره بین المللی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام

خمینی، ۲ جلد، مهرماه ۱۳۷۸؛ سید ضیاء مرتضوی، امام خمینی و الگوهای دین فطوحی در مسائل زنان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۱۸؛ ویژه نامه پیام زن، ش ۹۱؛ فاطمه صفوی، مدل اجتماعی جایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه امام خمینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰.

می کند (ص ۲۳۱ و ۲۳۸) و از تعدد زوجات (ص ۲۰۲-۲۰۷) و نیز قانون ارث (ص ۲۶۰) در اسلام دفاع کرده است. در پایان می توان آرا و دیدگاه های این رویکرد را چنین تلخیص کرد: اعتقاد به هويت انسانی برابر زن و مرد؛ اعتقاد به تفاوت های زن و مرد در برخی حوزه ها چون تفاوت های جسمی و روانی و احساسات [به تعبیر دیگر این گروه دایره تفاوت ها را کمتر از رویکرد نخست می دانند]؛ اعتقاد به جواز و بلکه رجحان مشارکت اجتماعی زنان؛ تبیین کلامی تفاوت های حقوقی زن و مرد.

### منهج و روش این رویکرد

آنچه را با عنوان روش و منهج این رویکرد می توان بر قلم آورد عبارت است از: اهتمام به قرآن به ویژه در حوزه شخصیت زن و حضور اجتماعی؛ اعتقاد به پالایش احادیث؛ باور به لزوم تعقل در فهم نصوص دینی و تبیین کلامی احکام؛ توجه به تأثیر فرهنگ های غیر دینی و تلاش برای پیرایش آنها.

### رویکرد فقهی حقوقی (از دهه هشتاد)

سومین رویکرد در دهه هشتاد، خود را بروز می دهد. صاحبان این رویکرد بر این باورند که با توجه به واقعیت ها و رعایت اصول و ضوابط فقهت و اجتهاد و مطالعات مجدد در منابع دینی می توان به آرا و نظریات نو دست یافت. در واقع این رویکرد خود را بر سه ضلع استوار می کند: توجه به واقعیت ها؛ رعایت قواعد و ضوابط فقهت و اجتهاد؛ مطالعه مجدد منابع دینی.

از این گروه در باب شخصیت و هويت زن و نیز برخی عرصه های دیگر چون خانواده و مشارکت اجتماعی آثاری مکتوب به دست نیامد، اما گمان می رود که در زمینه شخصیت و هويت حداقل مبانی رویکرد دوم را پذیرفته اند که از هويت مشترک زن و مرد دفاع می کنند. باز به نظر می رسد باید تفاوت های زن و مرد را کمتر از رویکرد دوم بدانند. در حوزه مشارکت اجتماعی نیز گرچه سخن مکتوب و صریح از آنان به دست نیامده، لکن لازمه برخی از آرا چون عدم شرط ذکوریت در مرجع تقلید، رئیس جمهور، قاضی، ولی فقیه و... این است که باب مشارکت را به روی زنان مسدود نمی بینند. در عرصه خانواده لازمه برخی از دیدگاه های آنان اعتقاد به سهم بیشتر زنان است، مانند استقلال دختر در ازدواج و جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و برخی موارد.

اینک نخست به طرح دیدگاه های پایه گذاران و صاحبان این رویکرد به ترتیب تاریخ انتشار آثار پرداخته و سپس برداشت خود را از روش و منهج آنان بازگو می کنیم:

البته باید از برخی آرای جدیدی که ایشان در این کتاب عرضه داشته اند نیز یاد کرد: مرجعیت زنان را برای زنان روا می دانند (ص ۳۷۶)؛ نبوت انبائی زنان را می پذیرد و تنها نبوت تشریعی را مختص مردان می داند (ص ۲۳۱)؛ امامت زنان را برای زنان جایز می شمرد (ص ۳۷۶)؛ قضای نماز و روزه مادر را بر پسر بزرگ تر واجب می داند (ص ۴۱۱).

در پایان این بحث باید از کتابی دیگر نیز یاد کرد که همین طرز تفکر را دنبال کرده و پیش از همه این آثار منتشر شده است، البته مباحث دینی را در مطاوی بحث گنجانده و از آن دفاع کرده است. حقوق زن در اسلام و اروپا، نوشته حسن صدر. این کتاب در سال ۱۳۱۹ ش منتشر شده و در سال ۱۳۲۷ انتشارات فراهانی آن را تجدید چاپ می کند. نویسنده بخش عمده کتاب را به بررسی های تاریخی در فرهنگ و سرزمین های غیر اسلامی و نیز بررسی های حقوق سایر کشورها اختصاص داده و در لابه لابه دیدگاه های اسلام می پردازد و از آن دفاع می کند. وی در باب شخصیت زن معتقد است در این زمینه دو دیدگاه رایج است: یکی ضعف و ناتوانی زنان را امری ذاتی می داند و دیگری آن را امری تاریخی و فرهنگی دانسته که بر زن تحمیل شده است (ص ۲۶۲-۲۶۳). لکن نویسنده معتقد است هر دو رأی بر خطایند، چرا که باید گفت زن و مرد باید چنین باشند و نباید پنداشت که یکی قوی و دیگری ضعیف است تا دنبال ریشه و منشأ آن باشیم، می نویسد:

ساختمان جسمی و عقلی، مادی و معنوی این دو طبقه و مأموریت و وظیفه و خاصیت آنها در گیتی به کلی با یکدیگر متفاوت و متخالف است. زن با خاصیت های مخصوص و برای منظور و مقصود خاصی ساخته شده، مرد برای وظیفه دیگری و به طرز و طور دیگری آفریده شده است (ص ۲۶۴-۲۶۵).

همچنین وی معتقد است خداوند حواری از پهلوی آدم ساخت (ص ۷۳)، لکن معتقد است زن در خانواده عامل مؤثری به شمار می رود و بلکه می تواند در اغلب شئون اجتماعی با مرد تشریک سعی کند (ص ۷۲)، چنان که معتقد است زنان باید مورد تعلیم و تربیت قرار گیرند و گر نه عقل و شعوری که خداوند مثل مرد به او داده عبث و بیهوده است (ص ۷۲). وی همچنین جواز طلاق در اسلام و اختیار داری مرد را تبیین کرده و حکمت آن را بازگو

۱. آیت الله صانعی. آیت الله صانعی از فقیهانی است که در دوران معاصر پیشگام طرح آرای جدید به صورت فتوا در رساله عملیه است. گرچه بحث های نظری و تحلیلی در جلسات درس یا القای سخنرانی و ارائه دیدگاه نو تا اندازه ای رایج بود، اما طرح آرای جدید در رساله عملیه در حوزه مسائل زنان کمتر به چشم می خورد.

رساله ایشان در سال ۱۳۷۲ ش و ۱۴۱۴ ق به چاپ می رسد و با فتوای خاص درباره بلوغ دختران در محافل حوزوی و علمی مورد توجه قرار می گیرد. از آن پس دیدگاه های دیگری نیز از ایشان در این حوزه در قالب استفتا یا مصاحبه های علمی به چشم می خورد که می توان از مصاحبه با ماهنامه پیام زن شماره ۶۳ و ۶۴ و نیز فصلنامه متین شماره دوم، بهار ۱۳۷۸ نام برد. همچنین برخی از مباحث مربوط را در فقه الثقلین و کتاب القصاص (ص ۱۵۵-۲۰۴ و ۲۰۸-۲۳۰) ایشان می توان دید.

مواردی که ایشان دارای رأی جدید هستند عبارت است از: ذکوریت در مرجع تقلید شرط نیست؛<sup>۶۱</sup> ذکوریت در ولی فقیه شرط نیست؛<sup>۶۲</sup> زن می تواند عهده دار منصب قضاوت گردد؛<sup>۶۳</sup> بلوغ دختران به حیض و در مرحله بعد سیزده سال است؛<sup>۶۴</sup> دیه زن و مرد در قتل خطایی و شبه عمد مساوی است؛<sup>۶۵</sup> امام جماعت زن برای زنان جایز است؛<sup>۶۶</sup> زن می تواند عهده دار ریاست جمهوری شود؛<sup>۶۷</sup> تعدد زوجات منوط به احراز عدالت است و می توان آن را در قوانین جای داد؛<sup>۶۸</sup> زن و مرد در استفاده از وجود عیب برای فسخ نکاح برابرند؛<sup>۶۹</sup> منوط بودن خروج زن از منزل به اذن شوهر تا وقتی است که موجب اذیت و آزار زن نگردد؛<sup>۷۰</sup> ازدواج دختر بالغه رشیده منوط به اذن پدر نیست؛<sup>۷۱</sup> در نکاح صغیر و صغیره پس از بلوغ هر دو حق فسخ دارند؛<sup>۷۲</sup> زن از اموال منقول و غیر منقول شوهر ارث می برد، لکن در اموال غیر منقول از قیمت ارث می برد؛<sup>۷۳</sup> جبهه گرچه مال پسر بزرگ تر است، اما از سهم الارث پسر حساب می شود.

۲. دکتر حسین مهرپور (تولد ۱۳۲۲ ش). ایشان در کتاب حقوق زن که انتشارات روزنامه اطلاعات آن را در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسانده و حاوی ده مقاله از نویسنده است تلاش می کند در مباحث حقوقی مربوط به زن که در دنیای جدید به چالش کشیده شده روزنه هایی برای استنباط و اجتهاد جدید ارائه کند. وی در این موضوعات با تکیه بر قرآن یا خود به رأی جدید می رسد مانند مسأله قصاص (ص ۲۴۸-۲۴۹) و قضاوت زن (ص ۳۵۶-۳۵۸) و جواز ازدواج دختر بالغ عاقل بدون اذن ولی (ص ۸۴-۸۵) یا در آرای گذشته تشکیک می کند و بستر پژوهش جدید را فراهم می سازد، مانند مسأله دیه (ص ۲۷۷-۲۷۹) و شهادت زن (ص ۳۰۲-۳۰۳ و ص ۳۰۹-۳۱۰) و اختیار طلاق به دست

مرد (ص ۱۹۹-۲۰۳) و تعدد زوجات (ص ۱۰۰-۱۰۳).

۳. آیت الله جناتی (تولد ۱۳۱۲ ش). ایشان از پیشگامان در عرصه ایجاد تحول در روش های اجتهادی و دفاع از فقه اسلامی پاسخگو و همراه و همگام با تحولات زندگی بر پایه منابع اصیل اجتهادی است. بر پایه این منش علمی مسائل زنان نیز نزد ایشان از این نگرش به دور نبوده است. از ایشان گرچه کتابی در حوزه مسائل زنان به صورت مستقل منتشر نشده، لکن حضور در سمینارهای علمی و ایراد سخنرانی و ارائه مقاله در حوزه های مسائل فقهی و حقوقی زنان بسیار است.

رساله توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۸۱ منتشر شد و جلد دوم آن که استفتائات است در سال ۱۳۸۲ به بازار نشر وارد گشت. ایشان در این رساله، دیدگاه ها و آرای نوی در حوزه مسائل عرضه داشته است که گرچه از امتیاز تحلیل علمی برخوردار نیست از امتیاز صدور در قالب فتوا و رأی اجتهادی برخوردار است. از مزایای این رساله عملیه علاوه بر گزارش از ادوار و مناهج اجتهاد در جلد اول (ج ۱، ص ۳-۴۸) و بیان ویژگی های رساله مطلوب (ج ۱، ص ۴۸-۵۷) بیان منهج و «ویژگی های شیوه نوین اجتهادی» است که این فتواها و آرا بر پایه آن صادر شده است.

مانخست این ویژگی را عیناً آورده و سپس به گزارشی از فتاوا و آرای ایشان در حوزه مسائل زنان می پردازیم:

۶۱. رساله عملیه، ص ۶، مسأله ۲؛ فصلنامه متین، ص ۲۰ (ش ۲).

۶۲. فصلنامه متین، ص ۲۰-۲۱ (ش ۲).

۶۳. همان، ص ۲۱.

۶۴. رساله عملیه، ص ۵۱۴، مسأله ۹۲؛ فصلنامه متین، ص ۱۱ (ش ۲).

۶۵. رساله عملیه، ص ۵۱۵، مسأله ۱۰۱؛ فصلنامه متین، ص ۲۶ (ش ۲)؛

فقه الثقلین، کتاب القصاص، ص ۱۶۲ و ۲۰۴-۲۰۸-۲۳۰.

۶۶. رساله عملیه، ص ۲۳۳، مسأله ۱۴۴۳.

۶۷. فصلنامه متین، ص ۲۱ (ش ۲).

۶۸. ماهنامه پیام زن، ص ۷-۸ (ش ۶۴).

۶۹. ماهنامه پیام زن، ص ۹ (ش ۶۴)؛ رساله توضیح المسائل، ص ۳۸۳.

۷۰. ماهنامه پیام زن، ص ۹ (ش ۶۴)؛ رساله توضیح المسائل، ص ۳۹۷.

۷۱. ماهنامه پیام زن، ص ۱۰ (ش ۶۴)؛ رساله توضیح المسائل، ص ۳۹۲.

۷۲. همان.

۷۳. ماهنامه پیام زن، ص ۱۱-۱۲ (ش ۶۴)؛ رساله، ص ۴۶۲.

این زمینه هست و هر که مایل باشد از آنها آگاهی پیدا کند، می تواند به کتاب روش های کلی استنباط این جانب مراجعه نماید.

رعایت این شیوه برای مجتهدی می تواند باشد که بتواند واقعیات زمان و شرایط آن و نیز شرایط جامعه را درک کند. این شیوه ویژگی های دیگری نیز دارد که نیازی به بیان آنها نیست. به هر حال با رعایت این شیوه در مقام استنباط نه تنها می توان در برابر مسائل فردی پاسخگو شد، بلکه می توان در برابر رویدادهای اجتماعی و حکومتی از هر نوع و قسمتی که باشند پاسخگو شد. در تنظیم مسائل این رساله عملیه که به عنوان پرسش و پاسخ مطرح است در بعضی مسائل آن تا اندازه ای شرایط مذکور رعایت شده و امید است برای مؤمنین مفید واقع شود (ج ۲، ص ۲۵-۲۶).

پاره ای از آرا و دیدگاه های تازه ایشان در حوزه مسائل زنان عبارتند از:

- مرد بودن در مجتهدی که مورد تقلید قرار می گیرد شرط نیست (ج ۱، ص ۶۲).

- امام جماعت باید بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و نیز اگر مأموم مرد است امام او هم مرد باشد (ج ۱، ص ۲۸۱).

- برای زن پوشیدن تمام بدن به استثنای چهره و دو دست از نامحرم واجب است، ولی نوع خاصی از پوشش برای آن مطرح نیست. با هر وسیله ای که حاصل شود کفایت می کند، ولی در این که چادر برای همه زنان، پوشش خوبی است جای تردید نیست. اما برای زنان شاغل در مراکز اداری، درمانی، دانشگاهی و صحنه های سیاسی و اجتماعی، پوشش اسلامی در صورتی که به گونه کامل شرایط آن رعایت شود از پوشش های دیگر بهتر است، زیرا پوششی که رعایت آن بر زنان واجب شده، با آن بهتر می توانند حفظ کنند (ج ۱، ص ۵۳۱-۵۳۲).

- تصدی مقام قضاوت به دست زن در صورتی که شرایط آن را دارا باشد مانعی ندارد.

- تصدی مقامات دیگر مانند مقامات اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی، هنری، مدیریتی، ریاست ها و ... در صورتی که در انجام دادن آنها توانایی داشته باشند و موازین شرعی از حیث پوشش و غیر آن را حفظ کنند اشکال ندارد.

- ادامه تحصیل برای زنان در دانشگاه ها و غیر آنها حتی اگر اساتید آنها مرد باشند و مردان هم در جلسات درس شرکت داشته باشند در صورتی که حدود شرع را در پوشش و غیر آن رعایت کنند مانعی ندارد.

- برای زن جایز است که رانندگی را نزد مرد اجنبی به شرط این که مستلزم حرامی نباشد یاد بگیرد.

## ویژگی های شیوه نوین اجتهادی

به جا و مناسب است به گونه گذرا و اشاره وار ویژگی های شیوه نوین اجتهادی را ارائه دهم که عبارتند از:

- وجود آن در حوزه استنباطی بر اساس مبانی معتبر و عناصر اصلی استنباط پس از بازنگری و نیز بررسی شرایط زمان صدور و مخاطبان آنها با روش اصولی معتدل و پرهیز از روش افراطی آن؛ - وجود آن در حوزه استنباطی هم در مرحله تئوری و هم در مرحله عملی و فتوا و پرهیز از روش اخباری و شیوه اصولی احتیاطی؛

- تعمیم احکام و مقررات و موازین استنباطی به حوزه های فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، پزشکی، هنری و حکومتی. این شیوه برای مجتهدی میسر است که بتواند شرایط زمان و نیاز جامعه و مسائل حکومت را به طور مرتبط با منابع و عناصر اصلی اجتهادی درک و استنباط کند؛

- داشتن تفریع و تطبیق (بازگرداندن حوادث واقعه و فروع تازه به اصول پایه و تطبیق قوانین کلی بر مصادیق خارجی آنها)؛

- بررسی کامل ابعاد قضایا و سنجیدن آنها بر اساس واقعیت های زمان و شرایط آنها و عینیت های خارج و خصوصیات آنها؛

- بررسی ویژگی های درونی و بیرونی موضوعات احکام که تحول زمان و شرایط آن در تحول آنها نیز دارای نقش بسزایی می باشند و این باعث می شود که موضوع و حکم آن از حیطة اصل شرعی که قرار دارد خارج و در حیطة اصل شرعی و حکم دیگری قرار گیرد؛

- بررسی ملاکات احکام موضوعات در غیر مسائل عبادی (اجتماعی و حکومتی) از راه عقل، زیرا به کمک آن می توان در برخی موارد، ملاکات احکام را به دست آورد و به مورد دیگری که در نص به حکم تصریح نشده باشد - ولی ملاک به دست آمده در آن فهمیده شود - سرایت داد؛

- رعایت مقتضیات احوال جوامع و اعصار و شرایط امکان در مقام تطبیق و اجرای احکام، زیرا بدون رعایت این امر در مقام اجرای حکم، این امکان وجود دارد که پیامدهای تأسف باری را برای جامعه داشته باشد.

البته آگاهان می دانند که پیامبر اسلام (ص) در عمل و دستورهايش شرایط و مقتضیات زمان، مکان، عرف و احوال آدمیان را در مقام اجرای احکام الهی رعایت می کرد. نمونه هایی در

- اذن پدر در ازدواج دختری که به گونه کامل مصلحت و مفسده را درک می کند و تحت تأثیر احساسات قرار نمی گیرد شرط نیست و اختیار با خود اوست (ج ۱، ص ۵۳۲).

- طلاق اگر چه در دست مرد قرار دارد، ولی مواردی هست که زن می تواند حق طلاق را در اختیار بگیرد از جمله آن موارد:

□ شرط در ضمن عقد. او می تواند هر شرطی را که مخالف با ماهیت عقد نباشد در ضمن عقد ذکر کند. شریعت اسلام این راه سهل و آسان را در پیش روی او قرار داده است تا خودشان زمان طلاق را دست بگیرند. پس زن می تواند در ضمن عقد شرط کند که از طرف شوهر وکیل در طلاق خود باشد، چه آن که وکالت به گونه مطلق باشد یعنی هر وقت که خواست از طرف او خود را طلاق دهد و چه آن که به گونه مشروط یعنی اگر شوهر بدرفتاری کرد یا نفقه نداد یا زن دومی گرفت می تواند خود را طلاق دهد.

□ عسر و حرج در زندگی. اگر چه زن در ضمن عقد شرطی نکرده باشد و این در موارد ذیل محقق می شود:

- \* شوهر حقوق واجب او را ادا نکند و اجبارش هم ممکن نباشد.
- \* بدرفتاری و سوء معاشرت با وی به گونه ای که برای زن قابل تحمل نباشد.
- \* امراض مسری و صعب العلاج که دوام زناشویی برای زن خطرناک باشد.
- \* غیبت شوهر یا رعایت شرایط.
- \* موارد وجوب عیوب خاص در مرد که عقد بدون طلاق منفسخ می شود (ج ۱، ص ۵۳۴-۵۳۵).

- زن می تواند بدون رضایت شوهر از بچه دار شدن خود جلوگیری کند، ولی مرد نمی تواند بدون رضایت زنش او را مجبور به بچه دار شدن کند، ولی با رضایت او مانعی ندارد (ج ۱، ص ۵۳۵).

- حضانت و سرپرستی پسر تا دو سالگی و دختر تا هفت سالگی با مادر و بعد با پدر است و این حکم تعبدی که قابل اسقاط نباشد نیست و صرفاً یک حق است، بلکه ترکیبی از آن وظیفه است و قانون مدنی هم گویای همین نظریه است.

- حضانت برای مادر و پدر به گونه مطلق و بدون قید تشریح نشده است، بلکه مقید است به صلاحیت و توانایی داشتن بر اداره آن کسی که حضانت و سرپرستی او را تصدی می کند. پس اگر مادر یا پدر از نظر اخلاقی و اجتماعی و دینی و سایر شرایط اصلاً توان و صلاحیت لازم را برای حضانت فرزند نداشته باشند یا آن که داشته باشند، ولی به وظیفه خود به درستی و آن گونه که شایسته است عمل نکنند این حق ساقط می شود و حاکم شرع می تواند طفل را به دیگری یا حتی به شخص ثالث واگذار کند.

- پیدایش بلوغ دختر به عادت ماهانه است و اگر بر اثر عوارض مزاجی، عادت ماهانه ندارد باید به عادت ماهانه دختران بستگان و فامیل خود مراجعه کند و عادت آنها را از زمان بلوغ خود قرار دهد. - بیرون رفتن زن از منزل در صورتی که با حق شوهر منافات داشته باشد باید از او اذن بگیرد، وگرنه اذن او معتبر نیست. پس در این صورت می تواند بدون اذن او از منزل برای تعلیم و تعلم و کارهای اجتماعی و وظایف سیاسی با حفظ حدود اسلامی و نیز برای دیدار پدر و مادر و فامیل بیرون رود و نیازی به این نیست که در ضمن عقد، آن را شرط کند (ج ۱، ص ۵۳۷).

### منهج و روش این رویکرد

صاحبان این رویکرد علاوه بر التزام به ضوابط و قواعد مسلم و مشهور فقهی و اجتهادی بر چند نکته دیگر نیز تأکید دارند: اهتمام به قرآن در استنباط های فقهی و حقوقی؛ توجه به واقعیت های زندگی؛ مراجعه مجدد به منابع و مصادر؛ تفکیک میان احکام موقت و دائمی؛ اعتقاد به کشف مقاصد و علل احکام در غیر عبادات.

آیت الله جناتی در بحثی که با عنوان «ویژگی های شیوه نوین اجتهادی» از ایشان آوردیم و مشتمل بر هشت بند بود در بندهای ۱ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ به چهار مورد اخیر از محورهای پنجگانه فوق اشاره دارد.<sup>۷۴</sup> همچنین کسی که به کتاب حقوق زن نوشته آقای مهرپور مراجعه کند تأکید ایشان را در اکثر مباحث بر قرآن به وضوح می بیند، چنان که در مقدمه نیز به اجمال از این امر سخن گفته و منظور داشتن واقعیت ها را مورد تأکید قرار می دهد.<sup>۷۵</sup>

نکته ای را که باید به دفاع از صاحبان این رویکرد توضیح داد این است که توجه به واقعیت های زندگی به معنای صادر کردن رأی به استناد آن نیست، بلکه بدان معناست که این توجه و آگاهی سبب شود فقیه و صاحب نظر با آگاهی بیشتر سراغ منابع و ادله رود و البته باز بدان معنا نیست که آن واقعیت خارجی را بر منابع تحمیل کند، بلکه بدان معناست که این واقعیت سبب شود زوایای گوناگون نصوص دینی دیده شود و در واژه ها و ساختار و شرایط صدور و ... دقت بیشتر گردد. در ادامه شایسته است از برخی صاحب نظران دیگر که در حوزه مسائل زنان آرای نو از آنان نشر یافته یاد شود:

۷۴. رساله عملیه، ج ۲، ص ۲۵-۲۶.

۷۵. حقوق زن، ص ۲۵-۲۶.



جسمی و جنسی که در آن حد از رشد آمادگی و استعداد تولید مثل در دختر پیدا می شود... بنابراین بلوغ یک امر تکوینی در انسان ها، اعم از دختر و پسر است. بلوغ دختر امر تکوینی است و تعبدی نیست. اگر بلوغ امری تکوینی و نه تعبدی باشد قهراً آن امر تکوینی دیگر نمی تواند دنبال یک سن خاصی باشد.<sup>۸۵</sup>

- در مورد آیه قوامیت می گوید:

این شبیهاتی است که برخی القای کنند و این آیه شریفه می گوید: مرد زعیم است و رئیس و فرمان را او باید بدهد و ریاست زن را در شئون خانه برعهده دارد، در حالی که این آیه هیچ دلالت بر آن ندارد، به واسطه این که برهان عقلی خلاف آن است. رئیس به معنای آقا و افضل نیست، سید القوم خادمهم، رئیس گروه خدمتگزار ایشان است. در یک خانواده وقتی می گویند: آقا، پدر، شوهر و مرد این خانه، مسئولیت اتفاق با تو است، نباید بگوییم مرد افضل و اعقل افراد خانه است، بلکه این چیزی عقلانی و عرفی است و من اعتقاد دارم این آیه شریفه جدا از حکم عقلا نیست. شما از هر عربی که ذهنیت ندارد معنای این آیه را پرسید می گوید، ای یقیمون بامور النساء فی امور اتفاقهم و معاشهم (مردان به کارهای زنان در امر نفقه و تأمین معاش می پردازند).<sup>۸۶</sup>

- ایشان در مورد الحاق به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض معتقد است: «چنانچه فقها با توجه به عنصر زمان و مکان و فقه حکومتی به این امر خوش بینانه نظر کنند ما می توانیم ضمن تحفظ دادن با شرع این کنوانسیون را بپذیریم».<sup>۸۷</sup>

- نامبرده در مصاحبه ای با فصلنامه فرزانه، شماره ۸ زمستان ۱۳۷۵ می گوید:

... لکن گفتم به شما، هر چه در فقه است معنایش این نیست که در دین هم هست. برای این که ما شیعه معتقدیم

۱. آیت الله محمد هادی معرفت. نامبرده در برخی از مباحث زنان به آرای نو دست یافته است:

- در کتاب شبیهات ورود حول القرآن الکریم درباره تنبیه بدنی زنان که در آیه ۳۴ از سوره نساء آمده اعتقاد به نسخ تمهیدی دارد و بر این باور است که پیامبر تنبیه بدنی را به مرور زمان نسخ کرده است.<sup>۷۶</sup>

- در مقاله ای که در مجله دادرسی انتشار یافته تفاوتی را که مشهور فقیهان در عیوب فسخ نکاح میان زنان و مردان می گذارند پذیرفته و بر این عقیده است که این عیوب سبب فسخ و انحلال نکاح برای زن و مرد می شود.<sup>۷۷</sup>

- در بحث بلوغ دختران مبنای مرحوم فیض کاشانی را می پذیرد که سن بلوغ برای تکالیف مختلف متفاوت است، یعنی در تکالیف عبادی از قبیل نماز، روزه و حج، بلوغ دختران سیزده سالگی یا قاعدگی (حیض) می باشد.<sup>۷۸</sup>

- در سن یائسگی تفاوتی را که مشهور میان زنان قرشی و غیر قرشی گذاشته اند پذیرفته و آن را خارج از ساختار فیزیولوژیکی زن می داند.<sup>۷۹</sup>

- حق حضانت را برای مادر تا هفت سال قائل است چه فرزند پسر باشد و چه دختر.<sup>۸۰</sup>

گفتنی است ایشان در مسأله قضاوت زن و منصب های اجتماعی، رأی مشهور را قبول دارد و زن را صالح برای آن مقامات نمی بیند،<sup>۸۱</sup> چنان که در ارث و دیه و شهادت و طلاق و حجاب و تعدد زوجات رأی مشهور را پذیرفته و به بیان برخی از حکمت های آن اشاره می کند.<sup>۸۲</sup>

همچنین ایشان در تفسیر آیه و کَلِّمُوا جَالَ هَلِیْنِ فَرَجَةً<sup>۸۳</sup> بر این عقیده است که این درجه همان قوامیت و سرپرستی مرد در خانواده است که به سبب جنبه های تکوینی مرد به وی داده شده است. همچنین ایشان از محمد عبده نقل می کند که این آیه یک وظیفه بر زن و وظایفی را بر عهده مردم می گذارد که همان اداره زندگی خانوادگی است.<sup>۸۴</sup>

۲. آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی. ایشان هم در برخی مقالات و مصاحبه ها و کنفرانس های علمی آرای جدیدی در مباحث زنان ارائه کرده است:

- رأی مشهور را در سن بلوغ دختران پذیرفته و بر این باور است که «بلوغ دختر عبارت است از رسیدن به حدی از رشد

۷۶. شبیهات ورود حول القرآن الکریم، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ فصلنامه پژوهش های قرآنی، ص ۴۶ (ش ۲۵ و ۲۶).  
 ۷۷. مجله دادرسی، ص ۵-۸ (ش ۳، مرداد ۱۳۷۶).  
 ۷۸. بلوغ دختران، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ الفکر الاسلامی، ص ۵۸-۵۹ (ش ۳ و ۴).  
 ۷۹. همان، ص ۵۴.  
 ۸۰. شبیهات ورود حول القرآن الکریم، ص ۱۳۹.  
 ۸۱. فصلنامه حکومت اسلامی، ص ۳۹-۵۴ (ش ۴).  
 ۸۲. شبیهات ورود حول القرآن الکریم، ص ۱۲۴ و ۱۲۹ و ۱۳۲ و ۱۳۹ و ۱۵۸ و ۱۶۲.  
 ۸۳. بقره (۲) آیه ۲۲۸.  
 ۸۴. شبیهات ورود حول القرآن الکریم، ص ۱۲۱.  
 ۸۵. فصلنامه فرزانه، ص ۲۱-۲۴.  
 ۸۶. مجله زنان، ص ۲۸ (ش ۲).  
 ۸۷. روزنامه پاس نو، ص ۱۵ (ش ۱۳۷، ۲۸ مرداد ۱۳۸۲).

که «المجتهد یخطی و یصیب» [مجتهد گاه اشتباه می کند و گاه درست استنباط می کند]. خیلی از مواردی که به عنوان حقوق اختصاصی زن و مرد در فقه آمده و به عنوان تبعیض تلقی می شود قابل تجدید نظر است و قابلیت این را دارد که ما مجدداً بررسی کنیم مانند مسأله شهادت زن، مسأله ارث زن از زوج متوفای خود، مسأله نحوه قصاص، مسأله دیات، مسأله قضاوت زن و مسائل دیگری در ارتباط با حقوق زن در فقه مدنی و جزایی خود می بینیم که دنیا و دیگران به عنوان تبعیض تلقی می کنند. به نظر من اگر در این موارد، فقها و حقوق دانان تجدید نظر بکنند و مجدداً با یک دید باز وارد مسائل بشوند کثیری از این احکام تغییر می کند... بنابراین من معتقدم در بسیاری از احکام که در حال حاضر تبعیض بین زن و مرد تلقی می شود می توان تغییراتی را از نظر فقهی ایجاد کرد.<sup>۸۸</sup>

- ایشان در همان مصاحبه می گوید: «در فقه گفته می شود که پدر یا جد پدری می تواند دختر ۳-۴ ساله خودش را به عقد یک مرد ۳۰-۴۰ ساله در آورد. من این عقد را اصولاً باطل می دانم و اعتقادم این است که چون عقد و ازدواج یک امر عقلایی است اگر عقلاً چنین عقدی را بیهوده می دانند این عقد نادرست است و اساساً باطل است».<sup>۸۹</sup>

۶. و باز می گوید:

این حکم که دیه مرد دو برابر دیه زن است به این علت است که مرد مسئولیت اقتصادی دارد و زن فقط مصرف کننده است، خودش مولد نیست. حالا اگر روزگاری رسیدیم به این که زن هم دوش به دوش مرد، فعالیت اقتصادی دارد و او هم مولد است و کمتر از مرد نیست، این ممکن است در قوانین دیه تأثیر بگذارد. بسته به این است که برداشت ما از ادله به چه شکل باشد. در خود نفقه من بحث دارم، این که نفقه زن به دوش مرد است، من احتمال می دهم مال این بوده که زن هیچ مسئولیتی در جامعه نداشته و مولد نبوده و مصرف کننده بوده و من احتمال می دهم که اگر وضعیت به جایی برسد که زن برابر مرد در اقتصاد مولد باشد و خودش عاملی شود در رشد اقتصادی، این طور نخواهد بود که ما بگوییم زن در نفقه مرد است.

همان آیه شریفه که می گوید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... وَبِمَا أَنْفَقُوا...» ذکر می کند که سر این که مرد قوام است به دلیل مدیریت اقتصادی مرد در خانه است، چون نفقه با اوست. این جا ما اگر نفقه را برداشتیم طبعاً مدیریتش را هم برداشته ایم، چون در آیه، قوام بودن

مرد را مبتنی کرده بر این که او نفقه را می دهد. واقعاً ببینید در جوامع دیگر غیر اسلامی این طور نیست که نفقه زن بر مرد باشد، در جوامعی که زن و مرد با مشارکت کار می کنند و مخارج زندگی را با هم تأمین می کنند. عملاً در ایران هم همین طور است، زن ها وقتی کار می کنند پولش را وارد خانواده می کنند و هر دو، هم زن و هم مرد، با هم زندگی را می چرخانند. اما حالا ما داریم بحث تئوری می کنیم. به نظر من باید روی این موضوع کار شود که آیا واقعاً در جوامعی که زنان چه در بعد فرهنگی و چه در بعد کشاورزی و صنعت دخالت دارند، آیا باز هم در نفقه مرد هستند. این جا هم تبعیض وجود دارد به نفع زن، چون مرد باید متحمل مخارج او هم بشود. نظر من این است که باید روی این موضوع کار شود و شرایط فعلی را از نظر اقتصادی و تغییرات اجتماعی باید در نظر گرفت.<sup>۹۰</sup>

- درباره مدیریت مرد در خانواده در همان مصاحبه می گوید: من عقیده دارم که لازم نیست همیشه بگوییم که مدیریت باید با مرد باشد، در خانواده تصمیم گیری را باید یک نفر بکند، اما اوضاع خانواده ها فرق می کند. اگر به یک جایی رسیدید که زن در تدبیر و مدیریتش قوی تر از مرد است آن جا زن اداره کننده است، این مثل اداره جامعه است. ما در مدیریت جامعه نیز دنبال کسی می رویم که مدیریتش قوی تر باشد. ما اگر نتیجه بگیریم که مدیریت خانه از مقتضیات مرد نیست، بلکه به دلیل نفقه دادن اوست و مسأله نفقه را در جامعه ای که زن هم دوش مرد کار می کند منتفی بدانیم آن وقت می توانیم نقش مدیریتی خانواده را به عهده کسی بگذاریم که از دیگری بهتر عمل می کند، مثل اداره شهرها یا کشورهایی که هر کس مدیریتش بهتر باشد او را به عنوان مدیر انتخاب می کنند. به نظر من قابل تغییر است، مدیریت خانواده نه مختص زن است و نه مختص مرد، بلکه قراردادی است.<sup>۹۱</sup>

- و درباره تمکین جنسی زن می گوید: من اعتقادم این نیست که هر وقت مرد به طور غیر متعارف تمایل جنسی داشت زن موظف به پاسخگویی اوست. این مسأله دو طرفه است. در شرایطی، زن اساساً استطاعت پاسخگویی ندارد و یا تمایل مرد غیر متعارف و بیش از حد

۸۸. مجله فرزانه، ص ۱۰ (ش ۸).  
 ۸۹. همان، ص ۱۱.  
 ۹۰. همان، ص ۱۱-۱۲.  
 ۹۱. همان، ص ۱۲.

است و عدالت این جا برقرار شده است. ذات باری تعالی که گفته «لذکر مثل حظ الأنثیین» این عین عدالت است و اگر غیر از این می گفت خلاف عدالت بود.

کتاب نقد: الان بعضی از مدعیان نواندیشی ادعا می کنند که تحولی در فقه شیعه اگر بشود ایجاد می کنیم که نفقه را از دوش مرد برداریم و زن هم خرجی خودش را در بیاورد، ولی ارث و دیه شان مساوی بشود، به اینها چه می گوید؟

آیت الله بجنوردی: باید به اینها گفت فضولی موقوف. وقتی شریعت را قبول کردیم شریعت، قوانین ثابتی دارد و در قوانین ثابت ما نمی توانیم مداخله بکنیم، البته اگر در قضایای عمومی، موضوع عوض شد چنانچه امام راحل گفت عنصر زمان و مکان، دخالت در اجتهاد می کند، ولی مقصود امام این بود که این جا تبدیل موضوع می شود و تبدیل حکم بدون تبدیل موضوع، محال است چون «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه». خود پیغمبر (ص) هم نمی تواند حکم را عوض بکند مگر به نسخ یعنی حکمی که از طرف خداوند باری تعالی است فقط خود او می تواند بردارد و می تواند هم ادامه بدهد، اما بنده و شما چنین اجازه ای نداریم. این نواندیشی نیست بلکه بازی با حکم خداست. احکام خدا در مورد زنان و مردان را ما نمی توانیم عوض کنیم. معنایش را هم حق نداریم تغییر بدهیم. خود او می گوید «الرجال قوامون علی النساء» یعنی مسئولیت اقتصادی خانواده با مرد است و زن را مجبور به کار نباید کرد، من نمی توانم بگویم معنای این آیه فلان است و چیز دیگری است. اینها بازی کردن با حکم خداست.

کتاب نقد: در باب «شهادت» چه می فرمایید؟ در قرآن راجع به شهادت، حکم صریح آمده، ولی بعضی از گفته جناب عالی ظاهراً در جایی، استنباط دیگری کرده اند، لطفاً توضیحی بدهید. آیت الله بجنوردی: العیاذ بالله! اگر کسی خلاف قرآن و شرع مقدس حرفی بزند منکر ضروریات است. آنچه من عرض کرده ام و آن هم صرفاً در حد یک احتمال فقهی و طرح مسأله برای مباحثه فقهی است شبهه ای در «استیفای شهادت» است نه در بیان ضابطه. می فرماید اگر دو مرد نبود، دو زن بیاید «فتذکر احدیهما الأخری» یعنی اگر یکی فراموش کرد دومی به یادش بیاورد، پس در مقام استیفای شهادت است و احتمال می دهیم که اگر در مقام استیفا بود دیگر یک قاعده کلی نباشد که بگویم ذات باری تعالی اساساً شهادت یک مرد را مطلقاً و برای همه

است، این جا زن ناشزه نمی شود. زن باید طوری تمکین کند که به طور متعارف در سایر زن هایی که در شرایط او هستند هم سطح باشد. اما گاهی اوقات زن روی انگیزه های دیگری تمکین جنسی نمی کند، مثلاً می خواهد مرد را اذیت کند و به او فشار بیاورد و از این قضیه به عنوان یک حربه استفاده کند؛ در چنین موقعیتی است که مرد می تواند به قاضی مراجعه کند و شکایت کند.<sup>۹۲</sup>

- و درباره خروج زن از منزل بدون اذن شوهر می گوید:

من معتقدم که زن می تواند از خانه خارج شود مگر مواردی که با حق زوجین منافات دارد، مثل مواقعی که مرد در خانه است و می خواهد که با زنش باشد. اما وقتی که خود مرد سرکار است و زن می خواهد برای کاری بیرون برود که منافاتی با شئون شوهرش ندارد اجازه مرد شرط نیست. من این اعتقاد را دارم.<sup>۹۳</sup>

یادآوری می شود ایشان در مصاحبه ای با مجله کتاب نقد در زمستان ۱۳۷۹ به برخی مسائل در حوزه حقوق زنان اشاره کرده که بر حسب ظاهر با دیدگاه های مطرح در مصاحبه پیشین نمی سازد: امروز در قانونگذاری دنیا هم خصوصیات فردی افراد، دخالت دارد. البته در حقوق عمومی، خصوصیات فردی لحاظ نمی شود، زیرا یک نوع طبیعت است و طبیعت انسان، کاری به مسائل جنسی ندارد، پس آن جا حقوق یکسان است و اما در حقوق خصوصی، جنسیت و سایر خصوصیات فردی دخالت دارد و اسلام در این جا ظرافت نشان می دهد، مثلاً تکلیف نفقه را به عهده مرد قرار می دهد و مسئولیت اقتصادی به عهده مرد است و یا دیه عاقله را بر گردن مرد قرار می دهد، حال اگر ارث زن را نصف مرد قرار داد برای آن است که زن هیچ گونه مسئولیت اقتصادی ندارد؛ پس با سهم الارث اضافی برای مرد، امتیاز قائل نشدیم، بلکه این ناشی از تناسب و وظائف و اختیارات است. قانونگذار در این جا، واقع بینانه لحاظ می کند که این فرد نان آور خانه است و مسئولیت های اقتصادی دیگری هم برایش جعل کرده در حالی که زنان را مجبور به هیچ مسئولیت اقتصادی نکرده، خوب این را به هر عاقلی بگویند نباید مخالفت کند. اگر ما بعضی تفاوت ها را قائل بشویم این تبعیض نیست. مسأله تفاوت دیه هم همین طور است و به معنای ارزش انسانی بیشتر برای مرد نیست. این اشتباه است که بعضی فکر می کنند که زن چون دیه اش نصف است پس مرد، افضل است. اینها ملاک فضیلت نیست، اینها ملاک تعادل حقوق و وظایف

۹۲. همان، ص ۱۴.

۹۳. همان.

موارد، معادل دو زن مقرر فرموده است. البته این یک طرح مسأله است تا بحث شود، نه این که این، عقیده بنده است.<sup>۹۴</sup>

۳. مرحوم آیت الله محمد مهدی شمس الدین<sup>۹۵</sup>. ایشان از مجتهدان و فقیهان شیعه لبنانی به شمار می رفت و ریاست مجلس اعلای شیعیان را نیز بر عهده داشت. در یک مجموعه چهار جلدی با عنوان مسائل حرجة فی فقه المرأة المسلمة برخی از مسائل زنان را مورد تجزیه و تحلیل فقهی قرار داده است چون پوشش و نگاه، صلاحیت زن برای حاکمیت، اشتغال، حقوق زن و شوهر.

وی در این کتاب به برخی از مبانی معمول در اجتهادهای فقهی اشاره می کند و مهمترین رأی در این کتاب همان اهلیت زن برای حاکمیت است که یک جزء از این مجموعه بدان اختصاص دارد. گزارش تفصیلی از این اثر را رقم این سطور در کتاب زن در اندیشه اسلامی<sup>۹۶</sup> آورده است.

۴. علامه سید محمد حسین فضل الله. ایشان که از فقیهان برجسته شیعه در لبنان به شمار می روند گذشته از دیدگاه های جدید در حوزه مسائل زنان، در چند اثر منتشر شده خود نیز به برخی از آن مسائل پرداخته است:

- کتاب قراهة جدیدة لفقہ المرأة الحقوقی<sup>۹۷</sup> که گزارش تفصیلی از آن را رقم این سطور در کتاب زن و فرهنگ دینی آورده است.<sup>۹۸</sup>

- کتاب دنیا المرأة<sup>۹۹</sup> چاپ شده در سال ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م که به فارسی نیز با عنوان دنیای زن<sup>۱۰۰</sup> ترجمه شده است.

- کتاب تأملات اسلامیه حول المرأة.<sup>۱۰۱</sup> آقای مجید مرادی ترجمه این کتاب را در مجله پیام زن شماره ۳۲ تا ۳۵ چاپ کرده است.

- کتاب وضع المرأة الحقوقی بین الثابت و المتغیر.<sup>۱۰۲</sup> همچنین ایشان در مصاحبه با پیام زن شماره های ۸۵ و ۸۶ و ۱۰۲ برخی از دیدگاه های خود و علل رویکردش به مسأله زنان را باز گفته است. برخی از آرای این فقیه لبنانی که در کتاب قراهة جدیدة لفقہ المرأة الحقوقی ابراز داشته عبارتند از:

• زن می تواند عهده دار حاکمیت و سلطنت شود. دلیل منع روایتی است که در کتاب بخاری نقل شده است، آن هم مربوط به شرایط خاص است. نمی توان مدلول آن را تعمیم داد. گذشته از آن، قرآن در داستان بلقیس و سلیمان حکومت زنان را تأیید کرده است (ص ۲۹-۳۱) و اگر در تاریخ اسلام حکومت زنان سابقه دار نیست به دلیل منع شرعی نیست، بلکه عادات و رسوم عرفی، سبب آن بوده است (ص ۶۸-۶۹).

• زن می تواند بر مستند قضاوت نشیند و به دادرسی پردازد. دلیل منع حدیث ضعیفی است که قابل استناد نیست (ص ۳۲-۳۳ و ص ۷۲).

• اگر مردی حقوق جنسی زنش را تأمین نکرد، زن می تواند مقابله به مثل کند. فقیهانی چون مرحوم حکیم و شهید صدر نیز این نظر را داشتند (ص ۶۱-۶۲).

• حقوق جنسی زن همانند حقوق جنسی مرد است و آیه **وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ**<sup>۱۰۳</sup> بر این امر دلالت دارد. وی در این نظر با مشهور فقها مخالف است (ص ۶۱).

• وی بر این باور است که حدیث نهج البلاغه درباره نقص عقل و ایمان زنان با تعلیل های آن ناسازگار است و از این رو باید علم آن را به اهلش وا گذاشت (ص ۶۶).

• مانعی نیست که زن بتواند مرجع تقلید باشد (ص ۶۸).

• حدیث **خیر للمرأة ان لا تری الرجل و ان لا یراها الرجل** را غیر صحیح می داند و از آیه **وَلِلَّهِ خِوْنٌ** نیز نقل کرده که در بحث های فقهی خود به ضعف سند آن اعتراف داشت. به جز ضعف سند، مدلول آن نیز قابل قبول نیست، زیرا حضرت زهرا (س) مردان را می دید و پیامبر زنان را برای مداوای مجروحین به جنگ می فرستاد (ص ۷۳-۷۴).

• آیه **وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ مَا فُتِنُوا بِهِ**<sup>۱۰۴</sup> را بر کلیه روابط زن و مرد حاکم می داند و درجه مردان بر زنان را تنها در حق طلاق مردان و مسئولیت انفاق آنان می بیند (ص ۸۶).

• دلیلی بر حرمت اختلاط زن و مرد به طور عام نیست، آنچه حرام است، بروز زنانگی و مردانگی در روابط اجتماعی است. اگر زن و مرد به عنوان دو انسان معاشرت کنند دلیلی بر حرمت ندارد (ص ۸۱-۸۲).

• در سن بلوغ دختران با رأی مشهور موافق نیست، گرچه تصریح می کند که در این زمینه هنوز به فتوا نرسیده است (ص ۹۰). در پایان نویسنده امیدوار است توانسته باشد گزارشی اجمالی اما دقیق و همراه با امانت و انصاف از دیدگاه های رایج ارائه کرده باشد و این نوشتار زمینه ای برای تجزیه و تحلیل عمیق و آسیب شناسی و ارائه ضوابط و قواعد گردد.



۹۴. کتاب نقد، ص ۱۷-۱۸ (ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۹).

۹۵. از آن رو که موضوع این مقاله دیدگاه های رایج در ایران معاصر است از این فقیه و علامه فضل الله در ملحقات سخن گفتیم.

۹۶. زن در اندیشه اسلامی، ص ۲۲.

۹۷. قراهة جدیدة لفقہ المرأة الحقوقی، دوم، دارالتقلین، بیروت، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.

۹۸. زن و فرهنگ دینی، ص ۱۳۷-۱۴۱.

۹۹. دنیا المرأة، پنجم، دارالملاک، بیروت، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.

۱۰۰. دنیای زن، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۸۳.

۱۰۱. تأملات اسلامیه حول المرأة، دارالملاک، بیروت، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷.

۱۰۲. وضع المرأة الحقوقی بین الثابت و المتغیر، دارالتقلین، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.

۱۰۳. بقره (۲) ۲۲۸.

۱۰۴. بقره (۲) آیه ۲۲۸.